

دانشجوی امروز معلم فردا

شماره مجوز: ۶۶۸/۳۶۰/۵۱۰۰۱/د

۴

نشریه علمی، فرهنگی و سیاسی دانشجوی امروز، معلم فردا

سال اول / شماره چهارم / مردادماه ۱۴۰۰

حفظ منزلت معلمی

در جامعه بسیار مهم است

گفتگو با سرکار خانم آزنی، آموزگار نمونه پایه اول
ابتدایی و مدرس دانشگاه فرهنگیان / صفحه ۲۷

باز این چه شورش است...

ویژه ایام شهادت سید و سالار شهیدان / صفحه ۸

۲۰

رمز و راز
سخنور توانا

۶

آفت
کم رویی

۱۶

در مسیر
تربیت

شناسنامه نشریه



نشریه علمی، فرهنگی و سیاسی دانشجوی امروز، معلم فردا

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر بیرجند

مدیر مسئول: امیر عربی سردبیر: مهدی عرب شوشک

گرافیکست و صفحه آرا: سیدصادق حسینی

هیئت تحریریه:

عمران کمالپور، مصطفی عباسجو، امیرحسین شهابادی، محمدرضا رحیم زاده، سیدحسین طالبی، مهران طالبی، امیرعلی گازارپور، امیرعلی محمدیان، سعید حسینی زیرکوه، مهدی عرب شوشک، حمید زنگویی، سعیدحسینی قهستان، امیر عربی، عرفان عربی، مهدی طوری، سید محمد حسین آفتابی، علیرضا بانویی، فرزین ملکوتی، محمد جواد مرتضوی نیا، محمد

حسینی، علی تهماسبی

کادر ویراستاری: مهران طالبی، محمد حسینی، حسن یآوری

فهرست مطالب:



۱ سخن سردبیر

۲ در آغوش عرفه

۳ بی‌نشان در آسمان

۴ چرا خانواده؟!

۶ آفت کم‌رویی

۸ باز این چه شورش است

۱۰ معلم نیوز

۱۴ تنبیه کردن، آری یا خیر؟!

۱۶ در مسیر تربیت

۱۸ همای رحمت

۱۹ کودکی‌ام را پس بده

۲۰ سخنور توانا باشیم!

۲۲ زندگی به سبک شهدا

۲۴ داستان‌های معلمی

۲۶ مصاحبه دانشجویی

۳۰ کافه‌کتاب

۳۱ کافه‌سینما

۳۲ بوم‌گردی

رسانه ما در فضای مجازی



@skh_cfu

سخن سردبیر

به نام خالق زیبایی ها، آهسته آهسته خورشید گرمایش را بر تن زمین می گستراند. و عطر بهار با نغمه های مستانه تابستان گره می خورد و خنکی نسیم دست نوازشی بر سر درختان می کشد و عشقی که در وجود نازک برگ های سبز تا چمن زارهای سرسبز موج می زند؛ خبر از سیطره تابستان می دهند. با سلام و عرض ادب از طرف کادر فهیم نشریه دانشجوی امروز و معلم فردا، لحظات خوشی را برای شما آرزو می کنم و امیدوارم سلامتی مهم ترین سین تاریخچه زندگیتان باشد و خوشی های گسترده و عشق هایی ابدی با عیاری خالص را برایتان آرزومندم. با نگاه های مهربانتان از نشریه ما حمایت کنید و چنانچه اهل قلم و ایده هستید. فرصت را غنیمت شمرده و به جمع ما بپیوندید. ان شاءالله در آینده، اتفاق های خوشی در راه است پس دانشجوی امروز و معلم فردا را دنبال کنید. لطف بی پایان تان را سپاس و جایگاهتان پرفروغ.

مهدی عرب شوشک 



عرفه

روز عرفه که مطابق با نهم ذی الحجه و روز قبل از عید قربان است، از روزهای با فضیلتی است که در این روز حجاج در نزدیکی مکه در منطقه‌ای به نام عرفات توقف کرده و بعضی از مراسم حج را به جا می‌آورند. بازهم عرفه، با همه راز و رمزهایش از راه رسید؛ روزی که نگاه قلب‌ها، بیش از همیشه به آسمان است؛ روز چشم‌های بارانی و نیازهای آسمانی. آری، عرفه، روز بازگشت عارفانه است از کج‌راهه گمراهی و تاریکی، به شاه‌راه هدایت و نور. روز عرفه از ایام باشکوه و عظیم است. روزی است که درهای آسمان را برای پذیرش تضرع‌های عاشقانه بندگان می‌گشایند و باز هم آن فاعل بالعشق خواهان بازگشت اشرف مخلوقاتش به بارگاه امن‌اش است. آری باز هم فرصت برای بازگشت انسان به اصل و جایگاه اعلی‌ اولیه‌اش را فراهم می‌کند. چقدر ظلم کردیم! چقدر نادیده گرفتیم آن همه رحمت را! ولی باز هم می‌خواندیمان، دعوتان می‌کنند. آری روز عرفه، روزی است که حق تعالی بندگان خویش را به عبادت و اطاعت خود دعوت کرده و از آن سوی سفره جود خود را برای آنها گسترانیده است. امام صادق (ع) فرموده: اگر شخص گناه کاری نتواند در شبهای قدر خود از قدر و منزلت خود به نحو احسن استفاده کند و بهره گیرد، می‌تواند در این روز از امتیازات بر برخورداری از رحمت الهی برخوردار شود. خدای خوبم امروز در روز عرفه دلم می‌خواهد دعا کنم... خدایا مرا قرار بده ترسان از خودت گویا تو را میبینم و خوشبختم کن به تقوای خود و بدبختم مگردان به نافرمانیت و خیر برایم مقدر کن و برکت برایم مقدر کن تا دوست نداشته باشم آنچه را که پس انداخته‌ای و نه تأخیر آنچه را پیش انداخته‌ای خدایا قرار ده بی‌نیازی را در نفسم و یقین در قلبم و اخلاص در عملم و روشنی در چشمم و بینایی در دینم. خدایا برطرف نمای گرفتاریم و بی‌پوش عیوبم و بی‌امرز خطایم. خدایا شاد کن دلی را که گرفته. بی‌نیاز کن کسی را که به‌درگاهت نیازمند است... امیدوار کن کسی را که به آستانه، ناامید است... بگیر دستانی را که اکنون به‌سوی تو بلند است... مستجاب کن دعای کسی که با اشک‌هایش تو را صدا می‌زند. دستگیر دستی باش که درمانده است و رو به آسمانت دراز... «آمین»

حمید زنگونی



آسمان، ساز غم را کوک کرده و خورشید سوزناک می‌نوازد و خلیل دشنه به دست راهی صحرا. دشنه‌ای سرشار از عشق و ایمان به خدا. امروز امتحانی بزرگ است برای خلیل. امتحانی تلخ اما سرانجامی شیرین. فرشته‌ی وحی دستوری آورده برای ابراهیم. خداوند حکم مرگ جگرگوشه‌ی خلیل را وحی کرده. مرگی سخت، در انتظار اسماعیل معصوم است. خلیل مانده بین دوراهی. یکی دل و یکی عشق. دلبستگی به فرزند یا عشق الهی. معامله ی سختی است برایش. سرانجام تصمیمش را می‌گیرد. پسر را صدا می‌زند. این بار نه مثل همیشه. کمی با صدای بغض آلود و سرشار از مهر پدر. پسر دوان‌دوان به شوق و ذوق تمام، همچون ابر بهاری خود را به پدر می‌رساند. پدر با دیدن این شوق، اشکش همچون باران بهاری سرازیر می‌شود. به اسماعیل می‌گوید: جان پدر! بیا که باید تورا در راه معبودم قربانی کنم. دشنه‌اش را تیز می‌کند. برنده همچون الماس. پسر را با اندوه فراوان به قربان‌گاه می‌برد. قلبش سرشار از مهر پدری و مملو از عشق معبود است. پسر را به صحرا می‌برد. دشنه در دست به قربان‌گاه که می‌رسند، اسماعیل با پدر وداع می‌کند. ابراهیم در این لحظه اسماعیل درونش را قربانی می‌کند. با دشنه‌ی همچون الماس بر گلوی کودکش امتحانش را با سربلندی به پایان می‌رساند. دشنه‌ای که تشنه‌ی خون بود دیگر کند شده بود. ابراهیم هرکار کرد فرزندش ذبح نشد در این هنگام صدای دوست دیرینه‌اش به گوشش رسید که از جانب معشوق، پیغامی برای عاشق آورده بود. ندا آمد: ای ابراهیم! تو اسماعیل درونت را قربانی کردی و عشق خدا را به دست آوردی به میمنت این آزمون، قوچی که خداوند برایت فرستاده را قربانی کن. تا جهانیان بدانند ابراهیم، خلیل الله بود.

عمران کمال پور

اهمیت و جایگاه خانواده

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که در زندگی جمعی انسان شکل گرفته و مهمترین نقش را در توسعه و رشد مراحل حیات بشر در امتداد تاریخ انسان از خود نشان داده است و از ابتدا تا هنوز و تا فرجام زندگی، نسبت به سایر نهادهای اجتماعی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار بوده و خواهد بود، ولی با همه اینها متأسفانه امروزه در اثر رشد و توسعه فرایند وسایل و ابزار رسانه‌های الکترونی و تهاجم گسترده فرهنگ انحطاط و ضد اخلاق، نظام مقدس خانواده دچار تزلزل و بحران شده است. و زن و مرد که مهمترین رکن نظام مقدس خانواده به شمار می‌روند کمتر به آن بها داده می‌شود و دنیای غرب به این آفت مبتلا شده و آثار آن کم و بیش در دنیای شرق سرایت کرده است. یکی از عوامل تزلزل خانواده‌ها، عدم آشنایی زن و شوهر به حقوق همدیگر و یا نادیده گرفتن حقوق یکدیگر است که در اثر عدم آشنایی و یا رعایت نکردن حقوق همدیگر، نظام خانواده دچار بحران و تزلزل می‌شود. خانواده از نظر

قرآن کریم اینگونه تعریف شده است: خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است، زن، شوهر، پدر و مادر و فرزندان. همچنین هدف، ایجاد

و آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است. در آیه‌ی ۷۴ سوره‌ی فرقان می‌خوانیم: (و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا قرّه أعیین و اجعلنا للمتقین اماماً) و کسانی که می‌گویند خدای ما، ما را زنانی مرحمت فرما که مایه چشم روشنی باشد، و ما را پیشوای اهل بیت قرار ده. این آیه بر اهمیت خانواده و پیش‌آهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد، چنان که پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایده آل پرهیزکاران معرفی می‌کند. درون واحد اجتماعی خانواده پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به عنوان الگو برای آنان مطرح هستند، نقش و معنای اهمیت خانواده در بهسازی وضعیت بشر نیز در همین واقعیت نهفته است. در نگاه پیشوایان دین، باورها، چگونگی زندگی، عادت‌ها، تمایلات و اهداف والدین از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر کودکان هستند. بنابراین نوع رفتار والدین در هماهنگ سازی خواسته‌ها و تمایلات خودشان از یک سو تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و همچنین تلاش پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عواملی هستند که در ایجاد هسته تعاون و



همکاری اجتماعی در کودک مؤثر شمرده می‌شوند. خویشاوندی و خانواده، معمولاً در جامعه جدید به عنوان واقعیاتی طبیعی در نظر گرفته می‌شوند و علیرغم نمونه هایی که در عصر ما، به ویژه در جوامع غربی قابل مشاهده است جامعه نمی‌تواند به سادگی بپذیرد که یک خواهر و برادر، دو برادر، دو خواهر، دو دوست، دو پدر بزرگ یا دو مادر بزرگ بتوانند کودکی را (دختر یا پسر) بزرگ کنند. البته می‌دانیم که اگر یک پدر یا مادر به تنهایی فرزند را بزرگ کند (همخون یا فرزند خوانده) کسی تعجب نمی‌کند. تصویر جامعه وقتی کامل است که در کنار کودک پدر و مادر هم حضور داشته باشند. اگر چه نقش نظام خانواده در زندگی اجتماعی کم‌تر از گذشته شده است ولی این نقش هم چنان نقشی اساسی و عمده است و برای آن جایگزینی نیافته اند. اگرچه بعضی از صاحب نظران برای حذف نظام خانواده طرح هایی ارائه دادند و بعضی هم آنها را به اجرا در آوردند ولی همه این طرح ها با شکست روبه‌رو شدند. علاوه بر این و باتوجه به این نکته که نظام خانواده در طول تاریخ با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیستی دستخوش تحول و دگرگونی های زیادی شده است به طوری که در بسیاری از جوامع خانواده از حالت گسترده به صورت هسته‌ای درآمده که خود موجب تغییراتی در نقش ها و کارکردهای خانواده شده است اما خانواده به منزله یک خرده نظام ضروری که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تأمین می‌کند هم چنان به حیات خویش ادامه می‌دهد که دلیل بقا و پایداری نظام خانواده را در طول تاریخ می‌توان در دو نکته زیر یافت. اول- نقش مهم و غیر قابل انکار خانواده در زندگی فرد. دوم- نقش گسترده و تعیین کننده خانواده در نظام اجتماعی کل به گونه‌ای که حذف آن، نظام اجتماعی را با هزینه‌های سرسام‌آوری روبه‌رو خواهد کرد.

لذا اینجاست که داشتن یک خانواده سالم اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند و جایگاهی خاص به خود اختصاص می‌دهد. و از آنجایی که نظام خانواده متشکل از نقش هایی است که بر عهده هرکدام از اعضای آن گذاشته می‌شود (پدر، مادر و فرزند) لذا برآورده شدن صحیح انتظارات هر کدام از نقش های محول شده به افراد برای سلامت و بقای خانواده لازم و ضروری است به طوری که اگر هر یک از افراد نتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند و به حقوق و تکالیف خود و دیگر اعضای گروه آگاه نباشد به یقین موجب نارضایتی اعضای دیگر شده و در نتیجه گسیختگی خانواده را به همراه خواهد داشت به همین دلیل آگاهی هرکدام از اعضای خانواده نسبت به وظایف خود در سایه شناخت و آگاهی کامل نسبت به مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و پایبندی آن ها به اصول اخلاقی از عناصر اصلی حفظ و بقای نظام خانواده و به تبع آن نظام اجتماعی کل می‌باشد.

امیرحسین شهابادی



خجالت

سعید حسینی

خجالت کشیدن، دلیلی است که شاید جلوی بسیاری از موفقیت های ما را گرفته است. اگر شما از مانع بزرگ خجالت عبور کردید که به شما تبریک می گویم. چون گام بلندی برای رسیدن به موفقیت برداشتید. اما اگر هنوز درگیر این مشکل هستید، بهتان توصیه می کنم حتماً برای رفع آن اقدام کنید. حتی از همین الآن! چون شاید تا یک ساعت دیگر خجالت باز هم یک موقعیت خوب و درجه یک را ازتان بگیرد.

عوارض کمرویی و خجالت

کمرویی و خجالت شما را عقب نگه داشته و عوارض بسیار زیادی دارد که چند مورد آنها را نام می بریم:

- ۱- کاهش اعتمادبه نفس (عدم یا کمبود اعتمادبه نفس به تنهایی عوارض فراوانی دارد).
- ۲- ناتوانی در ایجاد ارتباط مناسب با دانش آموزان و همکاران

۳- مورد سوء استفاده قرارگرفتن از جانب دیگران

۴- از دست دادن فرصت ها و حق مسلم

۵- قرارگرفتن در معرض سرزنش و اعتراض دیگران

۶- از دست دادن کنترل زندگی خود و مسلط شدن دیگران بر شما (در واقع نمی توانید خلاق و منحصر به فرد باشید).

۷- ناتوانی بروز توانمندی ها و نرسیدن به اهداف (مانع پیشرفت و نارضایتی فرد)

راه های از بین بردن کمرویی خجالتی بودن

بعد از بررسی معنی خجالت و البته ویژگی های افراد کمرو، نوبت به آن می رسد که راه های از بین بردن خجالت و کمرویی را بیان کنیم. ۱۰ راهی که قطعاً می تواند خجالت و کمرویی را به صورت کامل از درون شما از بین ببرد.

۱- خجالت و کمرویی را بپذیرید:

اولین گام در از بین بردن خجالت و کمرویی، این است که بپذیرید انسانی خجالتی هستید تا برای رفع آن اقدام کنید. اصلاً یکی از ویژگی های افراد با اعتماد

اعتمادبه نفس این است که چیزی را که هستند می پذیرند.

۲- اشتباه نکنید:

یکی از تفکرات نادرستی که خیلی از افراد خجالتی دارند، این است که هیچ وقت نباید اشتباهی از آن ها سر بزنند! (که اصلاً شدنی و قابل قبول نیست). همه مردم، حتی بزرگترین و مشهورترین افراد هم اشتباه می کنند! به قول معروف، انسان ممکن الخطاست. پس طبیعی است که اشتباه کند.

۳- سعی کنید نه بشنوید!

سعی نکنید از دوستان، خانواده و اطرافیانتان خواسته های نسبتاً عجیب و غریبی داشته باشید! یعنی خواسته هایی که فکر می کنید به احتمال زیاد جوابشان منفی است. زیاد نه شنیدن باعث می شود این مسیر عصبی در ذهنتان ساخته شود که حتی اگر من خواسته ام را به کسی بگویم و او قبول نکند،

مشکل خاص و بزرگی پیش نمی‌آید و نهایتاً من یک «نه» شنیده‌ام و نه هیچ چیز دیگر!

۴- عدم مقایسه خودتان با دیگران:

یکی از اشتباهات بزرگی که همه ما تقریباً در همه موارد مرتکب می‌شویم، مقایسه کردن خودمان با دیگران است. مقایسه، معمولاً باعث کاهش انگیزه و انرژی ما برای پیمودن نقشه راه موفقیت و اهدافمان می‌شود!

و اما چرا مقایسه کردن خوب نیست؟

دلیلش این است که ما در مقایسه کردن یک اشتباه بزرگ انجام می‌دهیم! اشتباه بزرگ ما این است که به جای این که خودمان را با کسی که در حد و اندازه های خودمان است مقایسه کنیم، با افرادی مقایسه می‌کنیم که سال‌هاست دارند تلاش می‌کنند و الآن یکی از افراد حرفه‌ای در حوزه تخصصی خودشان هستند!

۵- به نقاط قوتتان توجه کنید و آنها را تقویت کنید:

اکثر ما روی نقاط ضعفمان تمرکز می‌کنیم و فقط سعی داریم آنها را از بین ببریم. با این کار، معمولاً از نقاط قوت خودمان غافل می‌شویم. یکی از تفاوت‌های افراد موفق و غیر موفق این است که افراد موفق علاوه بر توجه به نقاط ضعفشان، روی نقاط قوت خود هم تمرکز می‌کنند و آن‌ها را افزایش می‌دهند، ولی سایر افراد فقط به نقاط ضعفشان توجه می‌کنند. باوری داشته باشیم که می‌توانیم.

۶- خود را تخریب نکنید:

بسیاری از افراد خجالتی خود را تخریب شخصیتی یا به نوعی ترور شخصیتی می‌کنند. یعنی مدام می‌گویند من بی‌عرضه‌ام، نمی‌توانم، هیچ چیزی بلد نیستم و...، خودتخریبی به شدت اعتماد به نفس آنها را کاهش خواهد داد و در نتیجه پایین بودن اعتماد به نفس، تبدیل به فردی خجالتی و کمرو می‌شوند.

۷- زمان‌هایی که خجالت می‌کشید را شناسایی کنید:

یکی از بهترین راهها برای از بین بردن حس خجالت و کمرویی از درون خودمان، این است که مواقعی را که بیشتر در آن‌ها دچار خجالت می‌شویم را شناسایی کنیم. یعنی دقیقاً بدانیم چه کسانی، چه زمانی، چه مکانی و چه چیزهایی باعث می‌شوند ما احساس کمرویی کنیم.

۸- بر خود و کارهایتان تسلط داشته باشید:

زمان‌هایی که به کارهایتان اطمینان کامل دارید، قطعاً آن کار را بهتر انجام خواهید داد. مثلاً وقتی می‌خواهید سخنرانی کنید، تا زمانی که حرف‌هایتان را به طور کامل قبول نداشته باشید به هیچ وجه نمی‌توانید بر دیگران تاثیرگذار باشید.

۹- در موقعیت‌های جدید قرار بگیرید:

محدود شدن به دنیای اطرافمان و کارها و افرادی که دور و برمان قرار دارند، مسلماً شما را منزوی و گوشه گیر خواهد کرد. سعی کنید موقعیت‌های جدید را برای خود به وجود بیاورید و کارهایی بکنید که تا به حال انجام نداده اید.

۱۰- بی‌خیال همه چیز شوید:

زمان‌هایی که می‌بینید بسیار فشار بالایی را دارید تحمل می‌کنید و کل زندگیتان به هم ریخته است، بی‌خیال همه چیز شوید و فقط ریلکس کنید! آرام‌شدن به گرفتن تصمیم‌های بهتر توسط شما کمک بسیار زیادی خواهد کرد.

کل نومی شوا کلارض کر بلا

بزاره سوسراست در خلق عالم

همه‌ی ما، پدر و مادرمون، ما رو با امام حسین(ع) آشنا کردند. ما رو سینه زن امام حسین کردند. به سراغ لباس هامون می‌ریم و از میون اون‌ها یک رنگ ساده رو انتخاب می‌کنیم! بی وضو نباید لمسش کرد، وقتی بوش می‌کنی، بوی محرم سال قبل رو می‌ده. بوی بغضی که با یاحسین روز اول ترکید. برای حضور تو مجلس امام حسین(ع) و یاران با وفاش، از مادرش اجازه می‌گیریم. برای به تن کردن پیراهن ماتم.

عجب صفایی داره این محرم. انگار یه تیکه از بهشته! درسته که نذری گرفتن رو دوست داریم، درسته بعضی وقت‌ها به هیچ روشی اشکمون در نمیاد، بعضی وقتا حوصله سخنرانا رو نداریم، ماهایی که به نظرمون قیمه یا آبگوشت امام حسین(ع) یک چیز دیگه‌ست، ماهایی که جای روضه برامون آب حیاته، ماهایی که قرآن و نماز می‌خونیم ولی از ته دلمون نیست! کل سال دلمون خوشه به محرم! آره خلاصه، آخر همه میایم در خونه‌ی خودت، درسته که خیلی گناه داریم ولی خُب گناه داریم حضرت ارباب! ما عوض شدیم ولی تو هنوز حسین بچگی‌های مایی آقا. بوی شعر محتشم داره میاد:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است... بعضی مردم، امام گذشته رو دوست دارند، نه امام غایب حاضر رو! چون که امام گذشته رو هرچور که بخوان تفسیر می‌کنند، اما امام حاضر رو باید فرمان ببرند. و کوفیان، عاشورا رو اینجور رقم زدند! کوفی بودن یعنی امام رو دوست داشتن ولی در امتحان و فتنه‌ی زر، رد شدن! کوفی یعنی عهد شکستن، شعاردادن. برای امام زمان خودمون اینجوری نباشیم. نمیدونم تا به حال چه مقدار پیاده راه رفتی! سال‌ها پیش جمعی از اسرا تو همین مسیر، گرسنه و تشنه راه رفتند و با هله‌له از اون‌ها استقبال کردند. ولی الان نگاه کن، چه میزبانی میکنند از زائر حسین(ع).

به عمودهای آخر که می‌رسی، گلدسته‌های حرم شاه وفا، عباس(ع)، رو می‌بینی! قدم هات دست خودت نیست، چه شوقی داشتی برای رسیدن به حرم اما همین فاصله را که با ذوق راه می‌ری، چقدر سخت بود برای حضرت سقا، تا آب رو به خیمه برسوند.

وقتی که به صحن رسیدی، پیش از اونکه اشک‌هات را پاک کنی، دعا کن برای اون بازمانده از نسل عاشورا که پای تک تک عمودها گریه کرده!

با رخت مشکی عزا روبه حرم بایست و دستت رو روی سینه‌ت بذار! باهمون بغض لرزونت و چشم گریونت آروم زمزمه کن. (السلام علیک یا ابا عبدالله)

ولی امسال؛ دیدید چی شد؟! برامون حسرت شده توی حرم و هیأت نشستن! حسرت یک زیارت درست حسابی به دلمون مونده!

حسین جان! نکنه بمیریم و حرم نبینیم!

آقا چقدر امسال بیشتر از همیشه دلمون گرفته!

حسین ای آبروی من، ای زندگی من

مصطفی عباسجو



معلم نیوز



«گزیده‌ای از اخبار آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان»

پذیرش بیش از ۲۳ هزار دانشجو در دانشگاه فرهنگیان از طریق کنکور ۱۴۰۰

بنا بر اعلام سازمان سنجش آموزش کشور، دانشگاه فرهنگیان از طریق کنکور سراسری ۱۴۰۰ اقدام به پذیرش ۲۳۲۶۸ دانشجو خواهد کرد. توزیع ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه فرهنگیان بر حسب گروه به ترتیب زیر است:

گروه علوم ریاضی: ۳۵۸۸ نفر / گروه علوم تجربی: ۵۰۳۹ نفر / گروه علوم انسانی: ۱۳۱۲۰ نفر / گروه هنر: ۵۰۵ نفر

گروه زبان‌های خارجی: ۱۰۱۶ نفر / اسامی واجدان شرایط برای شرکت در مرحله مصاحبه ورودی (مصاحبه عمومی و تخصصی، معاینات پزشکی) دانشگاه فرهنگیان هفته اول شهریورماه اعلام خواهد شد.



بخشنامه برنامه ریزی آموزشی نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰



طبق این بخشنامه برگزاری کلاس‌ها در نیم سال اول به علت عدم واکسیناسیون کامل دانشجویان در مقطع کارشناسی به صورت مجازی می باشد. شروع کلاس های دانشجویان جدیدالورود و تاخیر گزینشی ها از مهرماه ۱۴۰۰ می باشد و شیوه اداره کلاس ها به صورت آنلاین و آفلاین دروس عملی و کارگاهی حداقل ۱۰ جلسه و دروس نظری حداقل ۱۲ جلسه آنلاین است. اجرای کلاس ها از ۷ صبح لغایت ۸ شب و استفاده از پنج شنبه ها بلامانع است. ارائه محتوا به دانشجویانی که دسترسی به اینترنت ندارند. دروس الکترونیکی به صورت ۴ جلسه رفع اشکال برگزار شود بدون هیچگونه غیبت است. ارائه دروس کارگاهی با تشخیص مدیر گروه به صورت مجازی یا ترکیبی از مجازی حضوری بلامانع است. اولویت برگزاری کلاس ها به شیوه آنلاین می باشد. اجرای کارورزی دانشجویان بومی و غیربومی در نزدیک ترین مدرسه محل سکونت شهر خود است و انتخاب واحد از ۲۰ شهریور ماه و شروع کلاس ها (به جز ورودی های جدید) از ۲۷ شهریور ماه خواهد بود.

ارائه گواهی کسر از حقوق برای دریافت وام دانشجویی لازم نیست

صمد حاج جباری، معاون امور دانشجویان:

قبلا ارائه گواهی کسر از حقوق برای دریافت وام لازم بود ولیکن با توجه به شرایط شیوع بیماری کرونا و احتمال خطر ابتلا به این بیماری در رفت و آمدها و نیز سختی یافتن ضامن مورد تایید، مقرر شد در سال تحصیلی آینده (۱۴۰۱-۱۴۰۰) نیز همانند سال تحصیلی گذشته ارائه گواهی کسر از حقوق برای پرداخت وام الزامی نباشد.



واکسیناسیون معلمان و کارکنان مدارس قبل از مهر تکمیل می شود

رئیس مرکز مدیریت بیماری های واگیر وزارت بهداشت: تاکنون بیش از ۲۲ میلیون واکسن کرونا در کشور تزریق شده است. تصمیم بر آن شده که پوشش ۲ نوبت واکسیناسیون معلمان و سایر کارکنان مدارس تا قبل از آغاز مهر به پایان برسد، در مورد اساتید دانشگاه ها نیز به همین منوال خواهد بود. تیم های کارشناسی در حال بررسی واکسیناسیون دانش آموزان دارای بیماری های زمینه ای و پرخطر و انتخاب مناسب ترین واکسن برای آن ها هستند.



حقوق دو برابر شده هیئت علمی ها پس گرفته شود و به معلمان داده شود

باغلی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش:

من موافقم که حقوق دو برابر شده هیئت علمی ها پس گرفته شود و به معلمان داده شود من حاضر شخشا این کار را انجام دهم و پیشنهادش را به مجلس ببرم هر چند که به من تعلق نگرفته است زیرا من هیئت علمی تمام وقت نیستم.



حمایت حاجی بابایی از وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش

در ادامه روند حضور وزرای پیشنهادی رئیس جمهور در کمیسیون های تخصصی مجلس، حسین باغلی در جمع اعضای کمیسیون برنامه و بودجه حضور یافت. فضای مثبت این کمیسیون حاکی از همراهی حداکثری نمایندگان با وزیر نخبه و جوان آموزش و پرورش است و گفته شده که حاجی بابایی رئیس این کمیسیون و وزیر پیشین آموزش و پرورش اعلام کرده که در گفتگو با رئیس جمهور، آقای رئیسی حمایت ویژه خود از این گزینه پیشنهادی را ابراز و با عبارت «علیکم به آقای باغلی» از نمایندگان خواسته این وزیر را با رای بالا راهی وزارتخانه خود کنند.



دفاع قاطع وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش از لزوم تحول در سیستم محافظه کارانه این نهاد

این سیستم محافظه کارانه اجازه نوآوری و شکوفایی به معلمان جوان را نمی دهد/ حلقه بسته انحصار مدیریتی باید شکسته شود. باغلی: یکی از قول های اساسی من این است که سند تحول خودمان را اجرا کنم و اجرای سند ۲۰۳۰ را از بین ببرم. باغلی: ما امروز به شدت نیازمند تربیت دخترانه و فهم دنیای دخترانه هستیم، امروز تصمیمات ما جنس مردانه دارد.



حجت الاسلام تقوی به عنوان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان منصوب شد

طی حکمی از سوی حجت الاسلام والمسلمین رستمی، حجت الاسلام تقوی به جای حجت الاسلام دادگر، به عنوان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان منصوب شد.



تنها راه ورود به مدارس، دانشگاه فرهنگیان است

عضو کمیسیون، آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه دانشگاه فرهنگیان تنها راه ورود به مدارس است، گفت: در ورود به مدارس باید جلوی رانت گرفته شود و متقاضیان از طریق دانشگاه فرهنگیان روانه مدارس شوند.



خانواده‌ها نگران حضور فرزندان‌شان در مدارس نباشند

حاجی میرزایی: خوشبختانه طرح واکسیناسیون فرهنگیان، با استقبال همکاران فرهنگی روبرو شده و تاکنون پیشرفت خوبی داشته است. طبق هماهنگی‌های صورت گرفته با ستاد ملی کرونا و وزارت بهداشت، طرح واکسیناسیون فرهنگیان، تا اواخر مردادماه در سراسر کشور، ادامه خواهد داشت. در این طرح، قرار است؛ رانندگان سرویس‌های مدارس و هر فردی که در مجموعه آموزش و پرورش و در کادر مدرسه فعالیت دارد، واکسینه شود. برای خانواده‌ها جای نگرانی وجود ندارد و نباید نگران حضور فرزندان‌شان در مدارس باشند



آموزش حضوری در مدارس تا تمهید زیرساخت‌های بهداشتی لازم به تعویق خواهد افتاد

اعضا روسای کمیته‌های تخصصی کرونا پیشنهاد کردند، ابتدا تمام شرایط و زیرساخت‌های بهداشتی ضروری مثل رعایت حداقل تراکم در کلاس‌های درس، تهویه کلاس‌ها، واکسیناسیون و... انجام شود و سپس درباره دایر شدن حضوری کلاس‌های درس تصمیم‌گیری شود. بر این اساس سال تحصیلی جدید از ابتدای مهر آغاز خواهد شد، اما آموزش حضوری تا فراهم شدن شرایط بهداشتی مقرر به تعویق خواهد افتاد.



اگر مهر نشد، مدارس را از آبان یا آذر بازگشایی کنید

علیرضا رئیسی، سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا: اگر مهر نشد، مدارس را از آبان یا آذر بازگشایی کنید. یونسکو و سازمان جهانی بهداشتی تاکید می‌کنند، بازگشایی مدارس، مستقل از واکسیناسیون برنامه ریزی شود. معتمد اگر مدارس سه روز در هفته فعالیت کنند، بهتر از آن است که تعطیل باشند. امیدوارم که بتوانیم یک مقدار واکسن برای افراد زیر ۱۸ سال تهیه کنیم و اگر بشود دانش‌آموزانی که بیماری زمینه‌ای دارند، از چین و کوبا واکسن تهیه کنیم، می‌توانیم به بازگشایی مدارس امیدوار باشیم



راه اندازی ۶ رشته جدید در دانشگاه فرهنگیان از سال آینده

رئیس دانشگاه فرهنگیان از افزایش رشته‌های تحصیلی دانشجو معلمان در این دانشگاه خبر داد و گفت: تا یک سال آینده نیز ۶ رشته جدید به مجموعه رشته‌های دانشگاه فرهنگیان اضافه خواهد شد. در حال حاضر رشته‌های تحصیلی دانشگاه فرهنگیان از ۱۶ به ۱۷ افزایش یافته و با توجه به رشته‌های تدوین شده، طی سال آتی رشته‌های آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه، آموزش کار و فناوری، آموزش اقتصاد و کارآفرینی، آموزش مطالعات اجتماعی، آموزش مطالعات دینی، آموزش جامعه‌شناسی و مربی امور تربیتی نیز به مجموعه رشته‌های دانشگاه فرهنگیان اضافه خواهد شد. داوطلبان متقاضی ورود به این دانشگاه می‌توانند در صورت تمایل در رشته آموزش علوم تجربی ثبت نام کنند.



دانشجو معلمان به جای ۴ سال درشان در ۶ سال تمام شود!

وزیر پیشنهادی، دانشجو معلمان به جای ۴ سال درشان در ۶ سال تمام شود؛ اگر شایستگی‌های لازم را نداشتند هر جایی که باشند، حذف شوند. حسین باغ‌گلی؛ وزیر پیشنهادی وزارت آموزش و پرورش دولت سیزدهم درباره کمبود امکانات و هیئت علمی در دانشگاه فرهنگیان در شرایطی که کمبود شدید معلم وجود دارد، اظهار کرد: ماده ۲۸ برای استخدام فارغ‌التحصیلان سایر دانشگاه‌ها در آموزش و پرورش به دلیل کمبود نیروی انسانی ایجاد شد، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان می‌توانند به جای آنکه ترمی ۲۰ واحد طی کنند، ترمی ۱۰ واحد انتخاب کرده و به جای ۴ سال درشان در ۶ سال تمام شود؛ در این صورت درس‌های کلیدی را که پایه هستند به آنها ارائه می‌دهیم و سپس به مدارس اعزام شده تا تحت مدیریت و نظارت معلمان کارکشته فعالیت کنند و در کنار آن مسیر درس خواندن را ادامه دهند. باغ‌گلی گفت: بنابراین در مرحله نخست می‌توان نیروهای در حال تحصیل را زودتر وارد مدارس کرد و در مرحله دوم افرادی که بیرون هستند را وارد کرد و عملکرد آنان به طور منظم مورد بررسی قرار بگیرد تا اگر شایستگی‌های لازم را نداشتند هر جایی که باشند، حذف شوند همانند اینکه امروزه در حوزه پزشکی پذیرفتیم، اگر یک پزشک نتواند اعتبارنامه خود را در زمان‌های لازم به روز کند از سیستم حذف می‌شود.



تقویم آموزشی ترم بعد دانشگاه فرهنگیان

برنامه نیم سال اول تحصیلی به این صورت می باشد: شروع کلاس ها : ۲۷ شهریور / حذف و اضافه: ۳ مهر
حذف اضطراری: ۲۷ آذر / ارزیابی اساتید: ۴ دی / پایان کلاس ها: ۱۵ دی / شروع امتحانات: ۱۸ دی



رشد سه برابری فعالیت های فرهنگی دانشجویان معلمان در دوران کرونا!



سرپرست معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان فعالیت های حوزه فرهنگی و اجتماعی این دانشگاه در دوره کرونا از نظر تنوع و میزان پوشش دهی دانشجویان بیشتر و از خلاقیت های لازم برخوردار شد، گفت: فعالیت های فرهنگی و اجتماعی از نظر حجم، تنوع و میزان پوشش دهی تا سه برابر رشد داشته است. به گزارش ایسنا، دکتر علی محمدی در اجلاس سراسری مدیران دانشگاه فرهنگیان با بیان اینکه اقدامات فرهنگی دانشگاه در چهار سال گذشته رشد کمی و کیفی خوبی داشته است گفت: این موفقیت ها را مدیون حضور رهبری در دانشگاه و تلاش های مجموعه دانشگاه فرهنگیان می دانیم.

تیر خلاص آموزش و پرورش دولت تدبیر و امید بر بومی گزینی دانشگاه فرهنگیان مناطق محروم

نماینده مجلس: پذیرش بومی استانی دانشگاه فرهنگیان از بیخ غلط است. نماینده مردم مجلس یازدهم در پایان خاطر نشان کرد: عدم بومی گزینی در دانشگاه فرهنگیان تیر خلاص آموزش و پرورش دولت تدبیر و امید بر منابع نیروی انسانی مناطق محروم در آخرین روز کاری دولت بود، این اقدام آموزش و پرورش دهن کجی آشکار به قانون مصوب شده است و با عدالت آموزشی فرسنگ ها فاصله دارد، حتما موضوع را در مجلس بررسی و با قید فوریت پیگیری خواهیم کرد. در سال ۹۹ مجلس بومی گزینی را بر مبنای شهرستانی تعریف نمود که وزارت آموزش و پرورش در اقدامی غیر قانونی مبنای پذیرش را بر مبنای استان در نظر گرفته است، این موضوع با مصوبات شورای عالی فرهنگی مغایرت های جدی دارد.



دانشجومعلم ۱۴۰۰ از چه زمانی حقوق دریافت خواهند کرد؟

دانشجویان جدید به محض شروع سال تحصیلی حقوق دریافت خواهند کرد. حکم حقوقی برای تمام دانشجویان ورودی جدید ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان است. حکم حقوقی این عزیزان آذرماه یا دی ماه صادر و معوقات (حقوق ماه های قبل) برایشان تماما در ماهی که احکامشان صادر شود واریز می شود. ۲۰ درصد کسورات دانشگاهی به مبلغ ۷۰۰ هزار تومان از کل حقوق هر ماه خواهد بود. دانشجو معلمان مشمول عیدی هم می شوند که سال قبل مبلغش ۱/۵۰۰/۰۰۰ تومان بود و هر ساله افزایش داشته است.




سامانه جدید برای آزمون های دانشجومعلم طراحی و راه اندازی شد

به گزارش روابط عمومی دانشگاه فرهنگیان، سامانه Azmoon.cfu.ac.ir و نرم افزار موبایلی آزمون دانشگاه فرهنگیان راه اندازی و مورد بهره برداری قرار گرفت. آصف، مدیر فناوری و اطلاعات دانشگاه فرهنگیان: به منظور برپایی آزمون مستمر و پایانی و سهولت دسترسی دانشجومعلمان، حوزه فناوری و اطلاعات دانشگاه، اقدام به آماده سازی سامانه و نرم افزار آزمون کرد. وی، در ادامه به امکان پوشش همزمان ۵۰ هزار کاربر در این سامانه اشاره کرد و گفت: آزمون مهارت آموزان دانشگاه در تاریخ ۱۱ مرداد ماه نیز از طریق این سامانه برگزار شد. آصف، راه اندازی نرم افزار موبایلی آزمون را از اقدامات مهم دانشگاه برشمرد و اظهار کرد: در تهیه این نرم افزار از پیشرفته ترین تکنولوژی های روز دنیا استفاده شده است.



تنبیه کردن، آری یا خیر؟

فرزین ملکوتی 

تنبیه کردن از گذشته جزو رایج ترین روش های تربیتی بوده که علاوه بر محیط آموزشی، در محیط خانه هم از آن به امید اصلاح رفتار ناخوشایند استفاده می شده است. باوجود اینکه آمار دقیقی در این خصوص وجود ندارد اما آنطور که از ظاهرش پیداست امروزه در قیاس با گذشته، کمتر شاهد تنبیه خشن بدنی در خانه و مدرسه هستیم ولی همچنان میزان و شدت این گونه رفتارها قابل توجه بوده و خانواده مهم ترین محل بروز خشونت در جامعه است. تنبیه کردن انواع مختلفی دارد و صرفاً در فریاد کشیدن، توبیخ یا خجل کردن و یا کتک زدن کسی خلاصه نمی شود، برخی ها از بدترین گزینه ها استفاده می کنند و برخی دیگر روش هایی را به کار می برند که به همان اندازه و چه بسا بیشتر از آن اثربخش بوده اما آسیب بالقوه آن را در پی ندارد، آسیبی که مشکلات هیجانی و رفتاری را در آینده کودکان و نوجوانان پیش بینی می کند. تنبیه کردن مثل هر روش تربیتی دیگر، اگر به طور مداوم استفاده شود، نتیجه آن بی اثر شدن تدریجی روشی است که بکار می بریم. شاید توبیخ کردن برای واداشتن کودک به انجام کاری در کوتاه مدت و زمانی که اطاعت فوری ضرورت دارد مثل زمانی که کودک ۴ ساله می خواهد به سمت خیابان بدود، موثر باشد اما تنبیه کردن جدای از اینکه نوعی نفرت نسبت به فرد تنبیه کننده ایجاد می کند، در بلند مدت





توان تغییر و اصلاح رفتاری را ندارد اما تعدادی از افراد خلاف این باور را دارند و از تنبیه خشن زمانی که رفتاری باب میلشان نیست استفاده می‌کنند ولی همین عمل جای بسی تأمل دارد که اگر تنبیه کردن موثر بود چرا مدام از آن استفاده می‌شود؟! شاید رفتار ناخوشایند با این نوع روش‌ها تکرار نشود اما اغلب افرادی که سخت تنبیه می‌شوند وقتی منبع تنبیه کننده را دور می‌بینند احتمال دارد همان رفتاری که بخاطر آن تنبیه شدند را مجدد تکرار کنند.

بنا بر تحقیقات انجام شده در این حوزه، هرچه تهدیدها خشن‌تر و تنبیه بدنی شدیدتر باشد، احتمال اینکه افراد خصوصاً کودکان مشکلات بیشتر و جدی‌تری در سلامت روان خویش را تجربه کنند بیشتر است. مشکلاتی از قبیل؛ افسردگی، پرخاشگری، رفتارهای ضداجتماعی (ازجمله بزهکاری و...)، عملکرد تحصیلی ضعیف در کودکی و نوجوانی، سوءمصرف مواد و بدرفتاری با فرزند و همسر خود هنگامی که خود آنها بزرگ شوند.

شاید یکی از دلایلی که تنبیه به عنوان اولین گزینه به ذهن والدین می‌آید، این باشد که نمی‌توانند با فرزندشان به درستی رفتار کنند و تعاملی صحیح داشته باشند که هردو طرف از آن لذت ببرند. وقتی ارتباط، خوب نباشد برای به کرسی نشاندن حرف، از اجبار استفاده می‌شود و گفتگوی مسالمت آمیز از بین گزینه های موجود خط می‌خورد و معمولاً در همین شرایط است که خشونت ها در خانواده بیشتر می‌شود و زمانی که شرایط بحرانی‌تر شود، احتمال وقوع قتل هم ممکن است. چراکه خشونت های خانگی را می‌توان در علل قتل های خانوادگی پیدا کرد. البته همیشه این موارد در رابطه بین والد-فرزند یافت نمی‌شود بلکه در رابطه بین زن و مرد و حتی در خودکشی هم بروز می‌کند. (آمارهای جهانی نشان از خودکشی سالانه ۸۰۰/۰۰۰ نفر و در ایران ۴/۰۰۰ دارد که جای بسی تأمل است!). گرچه نمی‌توانیم چنین اقداماتی را صرفاً به مشکلات خانوادگی ربط دهیم اما خانواده همیشه عاملی تأثیرگذار و انکارنشده در زندگی هر فردی است که علاوه بر آن، این نهاد از چندین عامل مختلف تأثیر می‌پذیرد و اگر فکری برای آن و اقدامی جهت رفع آن نشود، شرایط موجود نه تنها بهتر نمی‌شود، بلکه بدتر هم خواهد شد.



در مسیر تربیت

چگونه مهره‌ی مار کلاس شویم؟

البته منظورمان از مهره مار، کانون توجه بودن و داشتن جذابیت برای همه است. جذاب بودن، برد پیت و جانی دپ بودن نیست! بلکه جذاب بودن یعنی باقی به شما توجه می‌کنند و برایشان هم مهم نیست چقدر زیبا هستید! بلکه نیرویی در شما است که آنها را به سمت خود می‌کشد و این نیرو نامتناهی و تمام نشدنی است، کلمه‌ی کاریزما از کلمه‌ای یونانی با مفهوم لطف بی‌دریغ ریشه می‌گیرد. ماهیت کاریزما درواقع عشق و علاقه است و خیلی از افرادی را که در آماج محبت شما قرار می‌گیرند، مجاب می‌کند تا لطف و توجه‌تان را با خوبی متقابل پاسخ بدهند و شاید روزی درجایی که انتظارش را ندارید، دست‌تان را بگیرند.

به اهداف خود ایمان قلبی داشته باشید

از خودتان بپرسید که به‌طور قطع چه چیزی برای شما اهمیت دارد و کار درست را در چه اقدامی می‌بینید. خیلی سخت است که دیگران را درمورد چیزی که خودتان به آن باور ندارید، قانع کنید. ناپلئون می‌گفت بیشتر از این که خودش به مردم فرانسه احتیاج داشته باشد، این مردم فرانسه هستند که به او احتیاج دارند و مردم وی را سلطان فرانسه کردند و حتی وقتی شکست خورد، مجدداً عده‌ای کوشیدند تا بار دیگر به تاج و تختش برگردد.

خوش قول باشید

تنها چیزی که دراین دنیا دارید، چیزی جز آبرو و اعتبارتان نیست. برای این که از خود نام نیک برجای بگذارید، باید یک عمر تلاش کنید، اما فقط یک لحظه لغزش کافی است تا آبرو و اعتباری را که طی سالیان دراز جمع کرده اید، به باد فنا بدهید. خوش‌قولی یکی



از خصوصیات بارز انسان‌های معتبر است. پس حتی اگر دیگران سر قول‌شان نماندند، شما همیشه سعی کنید که قول‌تان قول باشد.

روراست و دست و دل پاک باشید

هرگز دروغ نگوئید و به‌خلاف آنچه عمل کرده اید، وانمود نکنید. یادتان باشد که دیگران حواس‌شان به شماست و رفتار و کردارتان را رصد می‌کنند. اگر واقعا سعی دارید که به شخصیتی کاریزماتیک تبدیل شوید، باید آن‌قدر شجاع باشید که از بیان حقیقت، حتی اگر به گوش مخاطب تلخ و وخیم بنشیند، نهراسید. پس در هر حال از دورویی پرهیزید و خودتان را به فریب و تظاهر آلوده نکنید.

خوش‌بین و امیدوار باشید

برای این که کاریزماتیک شوید، ناگزیرید باور کنید که دیگران نیز ظرفیتش را دارند که خوش‌جنس و باذکاوت باشند یا از پس انجام کارهای خاص برآیند. به‌جای این که انرژی خود را با اخم و عصبانیت هدر بدهید، لب‌خند بزنید تا دیگران نیز روحیه بگیرند. یکی از خصوصیات بارز «فرانکلین روزولت» این بود که در دوران ریاست‌جمهوری خود هرگز به توانایی مردم کشورش در مقابله با بحران اقتصادی فلج‌کننده‌ای که در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم رخ داده بود، شک نکرد. جالب است بدانید که در آن دوران، نظر اغلب مردم نیز این بود که اوضاع رو به بهبودی است، درحالی‌که «روزولت» راه‌حلی برای رفع بحران نداشت و سیاست‌های وی اساسا نامنجم بودند.

روش همدردی را بیاموزید

یکی از اهداف تعامل با دیگران این است که بتوانیم با نحوه‌ی خاص هر فرد در مواجهه با موضوعات مختلف آشنا شویم. باید سعی کنید که احتمال بروز سوءتفاهم را در روابط‌تان به حداقل برسانید تا کسی بیهوده از دست‌تان ناراحت نشود و بعد وادار نباشید جهت رفع سوءتفاهم وقت و انرژی اضافی صرف کنید. اگر در ابراز همدلی با دیگران از مهارت‌های کافی برخوردار نیستید، از کسانی هم چون روان‌شناسان کمک بگیرید. به‌ویژه توصیه می‌شود که درمورد تئوری‌های شخصیت و علائم زبان بدن مطالعه کنید تا یاد بگیرید که برای نمونه گریه، نشانه‌ی ناراحتی از یک اتفاق ناخوشایند است.

دقیق و باریک بین باشید

مردم هیچ‌کاری را بی‌دلیل انجام نمی‌دهند. این دلایل را نادیده نگیرید، بلکه سعی کنید انگیزه‌ای را که پس انجام هرکاری نهفته است، با تکیه بر دانش و تجربه‌ی خود ردیابی کنید. خیلی به‌ندرت پیش می‌آید که مردم انگیزه‌هایشان را در هرکاری یا رفتاری برای کسی توضیح بدهند، چراکه مسئله‌ای شخصی و خصوصی است. اما کسی برنده است که خودش بتواند انگیزه‌های دیگران را در ارتکاب هر عمل یا رفتاری کشف کند.

مهدی طوری



هما کی رحمت

چرا تاریخ بعد از تو چنین افتاده در تکرار؟
چرا بعد از هزاران ماه جریان دارد این پیکار؟
جدا می گشت از راهی که باطل بود از اول
خوشا حُرّی که دردِ دنیا ز خوابش می شود بیدار
یزیدی ها اَسیرند و نمی دانند زینب کیست..
جگر گوشه ی زهرا را چه می ترسانی از مسمار؟
چه درکی داری از دریایِ بین رودها تشنه؟
که می بیند هم اعدا را و هم تقدیرشان را تار
علی اصغر رجز خوان است اما دشمنی احمق
شهادت در گلویش ریخت سیرابش نمود انگار
حسین از قلب عاشق های صدها قرن دل برده
و می روید هنوز از نسل زوّاران او زوّار
قمرراضی به زحمت نیست اما عشق بحث ماست
حسینی می شوی در معرکه باشی اگر مختار؟

امیرعلی گازارپور

در مرحمت، خدای عیان می شود علی
ممدوح آشکار و نهان می شود علی
در سرزمین عدل و کرامت، مسلماً
شاهنشۀ تمام شهان می شود علی
بهر یتیم ها پدری هست مهربان
از بهر ظلم، شیر ژیان می شود علی
با نام نیک گوش نواز مبارکش
زینت فزای متن اذان می شود علی
گر زنده هست راه خدا، از وجود اوست
در قلب راه حق، ضربان می شود علی
با او نمی توان احدی را قیاس کرد
بهتر از این و بهتر از آن می شود علی
الفاظ عاجزند ز وصف و بیان او
با واژگان نور، بیان می شود علی
هر چند ما بدیم و بسی هم گناهکار
اما برای ما نگران می شود علی
با آن همه کرامت و دلسوز بودنش
بی شک، شفیع کل جهان می شود علی
شکر خدا که پیرو اویم و این چنین
در قلب های ما، فوران می شود علی

سعید حسینی قهستان

شاید بهتر است دستان‌ت را به من بدهی. نترس، من هیچ سلاحی به همراه ندارم. البته، چند سالی است که با نوای تفنگ‌ها و خمپاره‌های بی رحم آشنا هستم. احساس می‌کنم مانند افسانه‌های شبانه کسی کودکی‌ام را به یغما برده است. مگر من از این دنیا چه می‌خواستم. چشمانی که دوست داشتند همیشه صلح و مهربانی و خوشی ببینند. اکنون فقط اسلحه می‌بینند. من هنوز معنی ترس را نمی‌دانم انم شاید این گونه باشد مثل وقتی که صدای گلوله‌ها می‌آید پدرم دستم را می‌گیرد و چند ساعتی میهمان زیر زمین تاریک می‌شویم. من هنوز درست نمی‌دانم که درد چیست! من از شما کودکی‌ام را می‌خواهم. چیزی که هیچ وقت به من نرسید. در دست کودکان این شهر به جای بادبادک‌های رنگی سنگ و و دست‌های شما اسلحه‌هایی است که روح و قلب ملت مرا نشانه گرفته است نمیدانم لایلی بلدی! برایم بخوان ای آخر چندین شب است که به نبود مادرم عادت کرده‌ام پدرم می‌گوید او رفته پیش خدا. از گلوله‌ها بیزارم. از صدای مهیب تانک‌ها. وحشت دارم آخر مادرم را از من گرفتند من مگر از شما چه می‌خواستم جز مقداری آزادی آن هم در کشور خودم، اما اکنون حیران، سرگردان دفتر پوسیده زندگی‌ام را یکی پس از دیگری ورق می‌زنم. اما انگار تمام صفحات آن بوی درد می‌دهد. طعم غم دارد. راستی تو بلدی با من بازی کنی! تو چشم‌هایت را ببند تا من آهسته پنهان شوم کاش جایی را پیدا کنم که هیچ و مرا پیدا نکنی. آخر کسی در این کوی و برزن نیست که با من بازی کند کودکان این شهر کمی از سنشان بزرگ‌ترند. این‌جا خبری از شادی نیست. امید از این منطقه رفته، بدبختی و یاس به دیار من حمله کرده است. این‌جا کسی دیگر از سر شوق نمی‌خندد. انگار راه افغانستان را به آسمان پیوند زدند. برایت بگویم. این‌جا اگر از خانه بیرون رفتی شاید دیگر هیچ وقت برنگردی. آخر این‌جا دیار غروب‌های بی پایان است. دیار دردهایی نه می‌کشند و نه رهایت می‌کنند. من به اندازه تمامی دنیا، با خدایم حرف دارم می‌خواهم بگویم ترس، هم دیگر از دیدن اوضاع ما می‌ترسد رنگ از رخسار ایمان پریده است. کم‌کم و کم کم زندگی دارد از دیارمان پر می‌کشد. و من مانده‌ام و انبوه تفنگ‌هایی که قلبم را نشانه رفتند. در حسرت نغمه بلبل آواز خوانی که برایم از پایان درد‌ها بخوانند مانده‌ام. آن کوچه‌ای که دوباره پر از بچه‌ها شود که صدای خنده‌هایشان گوش زمین و زمان را کر کند. من مانده‌ام به امید روزی که خوشی به دیار ما هم برگرد مانده‌ام در انتظار.. راستی تو کودکی‌ام را برگردان من هم حلال‌ت می‌کنم..

مهدی عرب شوشک 



چگونه یک سخنور توانا باشیم؟

درصد قابل توجهی از ارتباطات ما در طول روز با ارتباطات کلامی توأم است! پس دلیلی وجود ندارد که بهترین فن بیان و بهترین مهارت های صحبت کردن و صحبت در جمع را نداشته باشیم! ما باید یاد بگیریم چگونه روابط عمومی بالا داشته باشیم؟ خوب و زیبا صحبت کردن و پر انرژی صحبت کردن بسیار مهم است. مهم‌تر از همه‌ی این‌ها این که لازمه‌ی یک معلم توانا قدرت بیان بالایی است که برای رساندن مفاهیم در تدریس از آن استفاده کند.

چگونه می‌توانیم فن بیان خود را بهبود ببخشیم؟

در واقع لازمه تقویت و افزایش توان سخنوری، مجموعه‌ای از مهارت‌های مختلف را شامل می‌شود که فرد در نهایت می‌تواند با بکارگیری این موارد در توانایی تکلم و سخنوری خودش تغییرات مثبتی به وجود آورد که در ادامه‌ی مطلب به بررسی هر یک از این مهارت‌ها می‌پردازیم.

گوش دادن

برای داشتن فن بیان خوب باید به نوع صحبت کردن دیگران توجه کنیم و به حرف های آنها خوب گوش دهیم بنابراین به صحبت‌های دیگران توجه کنید، لحنشان، ریتم و... ببینید و دریابید رمز عالی بودن فن بیان آنها چیست؟

اعتماد به نفس

برای داشتن فن بیان خوب و روان صحبت کردن با دیگران، اعتمادبه‌نفس خود را بالا ببرید. داشتن اعتمادبه‌نفس بالا سبب می‌شود که هنگام سخنرانی به موضوع مسلط شوید و در برابر هر ذهنیتی که به شما ناتوانی را القا می‌کند ایستادگی کرده و خود را کاملاً مسلط و توانا بشمارید و به خود تلقین کنید که توانا، قادر، مسلط بر خود، سخنرانی ماهر و زبر دست هستید.

مطالعه

اما مورد سوم مطالعه است که یکی از مهم‌ترین مواردی است که مورد نیاز یک سخنور حاذق می‌باشد. مطالعه کتابهای گوناگون سبب می‌شود تا با واژه‌ها و کلمات و جمله‌بندی‌های مختلف بیشتر آشنا شوید و هنگام نیاز از آن استفاده کنید و سطح قدرت و توان خود را بالا ببرید.

مدیریت استرس

مدیریت استرس و اضطراب از جمله کمک‌کننده‌ترین مهارت‌ها برای داشتن فن بیان خوب است زیرا مهارت مدیریت استرس و کنترل هیجانات درونی سبب می‌شود تمرکز فکری سخنران بر روی ارائه اطلاعات افزایش یابد.

مهارت کنترل حجم صدا

برای داشتن فن بیان خوب صدای شما باید رسا و واضح باشد یعنی صدا شما نباید لرزش داشته

باشد و حجم صدا به صورت نامنظم و ناموزون باشد تا مخاطب به شنیدن مطالب شما علاقمند شود.

تلفظ صحیح کلمات و شمرده صحبت کردن

برای کنترل بیشتر بر روی سخنرانی باید کلمات را دقیق و صحیح تلفظ نمایید زیرا عجله در ارائه و بیان مطالب باعث از بین رفتن رشته‌ی تفکرات مخاطب می‌شود. شمرده صحبت کردن به نفوذ کلام شما کمک می‌کند و سبب می‌شود کلمات به صورت مناسب در جای مناسب در ذهن شنوندگان بنشینند.

صحبت با دیگران

صحبت کردن و حرف زدن می‌تواند به بهتر شدن فن بیان کمک کند و قدرت کلامی ما را افزایش دهد اما امروزه با پیشرفت تکنولوژی ارتباطات کلامی به شدت کاهش پیدا نموده است و ارتباطات انسانی و رفت آمدهای خانوادگی و مهمانی‌ها و ضیافت‌های دوستانه کاهش یافته است. اگر می‌خواهید از فن بیان قوی و قدرتمند برخوردار باشید، هیچ فرصتی را برای گفتگو و سخن گفتن با اعضای خانواده و دوستان صمیمی خود، از دست ندهید. با دوستان و نزدیکان سر سخن را باز کنید و درباره یکی از موضوعات روز و عمومی صحبت کنید و یا درباره نقطه نظرات دیگران فعال برخورد کنید و اظهار نظر کنید تا با روش و روحیه مواجهه با دیگران آشنا شوید و بیان‌تان روان تر شود.

افزایش دایره واژگان

یکی از نقاط ضعف بسیاری از افراد برای سخن گفتن، فقر واژگان است زیرا آنچه که در ذهن دارند را نمی‌توانند با همان کیفیات ذهنی به کلمه تبدیل کنند و آن را ارائه کنند بنابراین هنگامی که موضوعی را بیان می‌کنند، به دلیل به کار نبردن کلمات مناسب و درخور، مخاطب دچار سوءتفاهم و یا اشتباه در فهم و درک مطلب می‌شود. برای افزایش دایره واژگان، کار کردن با فرهنگ طیفی و خواندن کتاب‌ها و متون ادبی مانند نثر و شعر تاثیر شگرفی دارد. کارکرد فرهنگ طیفی عکس لغت‌نامه است و چنانچه نمناک توضیح داده است زمانی که ما معنا و مفهوم را می‌دانیم ولی برای بیان آن، واژه و کلمه به اندازه کافی در اختیار نداریم، می‌توانیم مشکل خود را با فرهنگ طیفی برطرف کنیم مثلاً زمانی که در مورد آزادی صحبت می‌کنیم و یا در مورد سیاست صحبت می‌کنیم ولی واژه‌های لازم و پرکاربرد آن حوزه را نمی‌دانیم می‌توانیم از فرهنگ طیفی کمک بگیریم.

اما به عنوان سخن پایانی به شما پیشنهاد می‌کنم که اگر برای تغییری مثبت مصمم هستید، از همین الان با یک تمرین بسیار کاربردی که به شما معرفی می‌کنم، گام اول را بردارید. اما این تمرین چیست؟ به مدت ۵ دقیقه درباره موضوعی که خودتان آن را تعیین می‌کنید به صحبت کردن بپردازید و آن را ضبط کنید. مجدداً این عمل را در صورت تمایل بر روی موضوع دیگری انجام دهید. این کار را تکرار کنید و تکرار کنید. بدون شک بعد از چند مرتبه تکرار این تمرین، تاثیر شگرف آن و پیشرفت خود را آن را در فایل صوتی نهایی مشاهده خواهید کرد.

محمد رضا رحیم زاده 

زندگی به سبک شهیدا



محل تولد: بیرجند

تاریخ شهادت: ۲۴ فروردین ۱۳۶۲

محل شهادت: فکه

امیرعلی محمدیان

شهید محمد حسن فایده پس از تعرض رژیم بعث عراق به ایران در اولین ماه‌های جنگ رهنورد جبهه‌های نور شد و به عنوان فرماندهی گروهان، مسئول گروهان، خط شکن و فرماندهی محور، به انجام وظیفه پرداخت و با شرکت در چند عملیات فتح المبین، رمضان، بیت المقدس، والفجرا و... برگی زرین در کارنامه‌ی زندگی پرفروغش افزود.

آخرین بار برای شرکت در عملیات والفجرا به شوق وصال حرم معشوق راهی میادین نبرد شد و در ۶۲/۱/۲۴ در غربی بهارین بر اثر اصابت ترکش در منطقه‌ی فکه به خون طراوت یافت و بدن مطهرش چون یاس‌های بهشتی ۹ سال دشت‌های خوزستان را معطر کرد و در سال ۶۹ در مزار شهدای بیرجند به آرامش ابدی پیوست.

قسمتی از وصیت نامه:

خدایا! اگر چنانچه هفتاد بدن می‌داشتم، همه را به پای اسلام عزیز فدا می‌کردم و هنوز هم به اسلام بدهکار بودم. خدایا تو را شکر و سپاس بیکران می‌گویم زیرا در زمانی قرار گرفته‌ام که اسلام احتیاج به کمک و یاری دارد و مرا توسط رهبر عظیم‌الشأن انقلاب که از تبار پاک رسول... است از ظلمت به نور آوردی.

بخشی از زندگینامه شهید:

در اسفندماه سال ۱۳۳۸ در شهرستان بیرجند به دنیا آمد. در کودکی قرآن را نزد پدرش آموخت. دوره‌ی ابتدایی را در دبستان پرویز به تحصیل مشغول شد و در کلاس پنجم بود که اصرار کرد او را به مدرسه‌ی طلاب بفرستند. پسری آرام و مهربان بود و در کارها به مادرش کمک می‌کرد. در این سنین پدرش را از دست داد. برای این که سربار خانواده نباشد در اوقات بیکاری و ایام تعطیل در کوره‌پزی خانه‌های پایین شهر کار می‌کرد. دوره‌ی راهنمایی را در مدرسه‌ی علامه سید محمد فروزان در بین سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ و دوره متوسطه را در هنرستان فنی ابوذر گذراند. نماز جماعت را از اول

دبیرستان شروع کرد و در مجالس مذهبی و در مساجد حضور داشت و دوستان را هم به شرکت در آن مجالس تشویق می‌کرد. در سال‌های آخر دبیرستان که مصادف با انقلاب بود در مسیر حرکت انقلاب قرار گرفت و کتاب‌های بیشتری از شهید مطهری مطالعه می‌کرد و دستورات و اطلاعیه‌هایی را که از طرف امام می‌رسید با همکاری تیم‌هایی که تشکیل داده بود، به مردم می‌رساند. علاقه خاصی به امام داشت و از بدخواهان ایشان متنفر بود. به‌طوری که هنگام ورود امام به ایران، بدون اطلاع خانواده به تهران رفته بود. در

سال ۱۳۵۷- که اوج انقلاب بود - فارغ‌التحصیل شد. پس از اخذ دیپلم به سربازی رفت و خدمت

سربازی را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیرجند گذراند. پس از گذراندن این دوران مربی آموزش برای آموزش رزمندگان به جبهه شد. در سال ۱۳۶۰ مصادف با روز ۲۸ ماه مبارک رمضان بود با خانم فاطمه فخار پیمان ازدواج بست. مدت زندگی مشترک آنها ۱۶ ماه بود و ثمره‌ی این ازدواج یک فرزند به نام فهمیه است که در ۱۰ مرداد ۱۳۶۲ متولد شد. از جمله فعالیت‌های ایشان و دوستانش، برگزاری مراسم دعای کمیل، سمات و زیارت عاشورا در سپاه بود. در عبادات فردی هم هرگاه مشغول نماز می‌شد، نیم‌ساعت به‌طول می‌کشید. با کتاب‌های ادعیه‌ی قرآن، مفاتیح‌الجنان، نهج البلاغه و صحیفه‌ی سجادیه مأنوس بود. او پس از هر عملیات به پشت جبهه باز می‌گشت و در شهر و روستا به تبلیغات می‌پرداخت و سیاست جنگی و خط مشی جمهوری اسلامی را برای مردن ترسیم می‌کرد. برای اینکه طبقه جوان را نسبت به مسائل سیاسی کشور آگاه کند، در مدارس برایشان سخنرانی می‌کرد و همچنین در بازار، برای اینکه بتواند کمک مالی بیشتری را برای جبهه فراهم کند. مسئول ستاد مبارزه با مواد مخدر بود و مبارزه‌ی شدیدی با سوداگران مرگ داشت. دوبار زخمی شد. بار اول ۱۵ روز در بیمارستان اهواز بستری شد و بار دوم در عملیات رمضان از ناحیه ساق پا زخمی شد که دوهفته در بیمارستان ذوب آهن اصفهان بستری بود. او با همان پای زخمی برای عملیات والفجر از مشهد عازم جبهه شد. در حمله‌ی والفجر، معاون فرمانده تیپ و مسئول طرح و برنامه عملیات بود و می‌بایست در قرارگاه استقرار یابد، اما فرماندهی گردان را برعهده گرفت و زیر آتش دشمن و در حالی که نیروها را به جلو هدایت می‌کرد، در روز ۲۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۲ بر اثر ترکش به سر به درجه‌ی رفیع شهادت نایل آمد. پیکر مطهر شهید ۹ سال مفقود بود. پیکر شهید بعد از ۹ سال به زادگاهش انتقال یافت و در گلزار شهدای بیرجند به خاک سپرده شد.

یک دزدی در کلاس

خیلی وقت پیش شاید بالغ‌تر بیشتر از بیست سال پیش اواخر دهه هفتاد، معاون یکی از دبیرستان‌های خوب شهر بودم که رشته‌های مختلفی داشت. یادم هست که چند تا کلاس اول دبیرستان داشتیم. یکی از کلاس‌ها فضای کوچکی داشت. تعداد دانش‌آموزان آن هم کم بود؛ زیر سی نفر بودند. چون کلاس یک فضای خیلی کوچکی داشت و تعداد دانش‌آموزان هم محدود بود، بچه‌ها خیلی بیشتر از سایر کلاس‌ها از هم شناخت پیدا می‌کردند. ارتباطشان باهم بیشتر بود و شناخت بیشتری از همدیگر داشتند. یک روز یکی از بچه‌های کلاس آمد و گفت که در کلاس دزدی می‌شود. من خیلی متعجب شدم و از او پرسیدم که چرا این حرف را می‌زنند. گفت: «خانم این مقدار پول - که آن زمان خیلی پول زیادی بود، زیر هزار تومان بود ولی خیلی پول زیادی بود - تا حالا از بچه‌ها برداشته شده و ما اطمینان داریم که چه کسی برداشته است - فرض کنید مثلاً کسی که برداشته بود اسمش شقایق بود - ما مطمئنیم که شقایق برداشته، خانم باید برید بگید بهش، ما اطمینان داریم و پول ما رو تا آخر باید پس بدهد.» من شقایق را می‌شناختم پدرش را از دست داده بود و مادرش هم مشکل مالی زیادی داشت. دانش‌آموزی بود که از لحاظ بدنی هم ضعیف بود و حس خوبی هم نسبت به خودش نداشت. گفتم: «من این‌جوری نمی‌رم بهش بگم، باید مطمئن بشم.» خلاصه یک دویست تومانی که آن زمان پول زیادی بود را برداشتیم و اسم یکی از بچه‌ها را روی آن نوشتیم. بچه‌ها یک شرایط را ایجاد کردند که او این دویست تومانی را در کیف آن دانش‌آموز ببیند. با هم صحبت کردند و به خارج از کلاس رفتند تا او آن پول را بردارد و مطمئن بودند که برمی‌دارد. وقتی آمده بودند آن دانش‌آموز نقش بازی کرده بود که پولم نیست و خیلی اظهار ناراحتی کرده بود که باید کیف‌های همه را بگردد. یک طوری نقش بازی کردند و کیف‌ها را گشتند که دیگر او نتوانست کاری بکند و دویست تومانی را در کیف شقایق پیدا کرده بودند. یک طوری که دیگر شقایق نمیتوانست بگوید این پول مال من است. کاملاً با هماهنگی همدیگر یک ایفای نقش را داشتند و متوجه شدیم که شقایق بردارنده این پول‌ها تا الان بوده است. البته یک طوری شرایط را محیا کردیم که غیر از آن چهار نفر که پول از آنها براشته شده، دانش‌آموز دیگری متوجه موضوع نشود. بعد از این داستان، آمدند به من گفتند که پول را از کیف او پیدا کردیم. من با خودم گفتم: «خدایا چکار کنم. خیلی پول زیادیه. ضمن اینکه شقایق هم یک بچه یتیمه و ما باید به او کمک کنیم و از طرفی هم باید کاری کنیم که او آگاه بشه و متنبه بشه والا به کارش ادامه خواهد داد و...» به بچه‌ها گفتم که شما چیزی نگویید، من خودم مسئله را هدایت خواهم کرد. سعی کردم آرامشان کنم و گفتم بیایید باهم فکر کنیم و ببینیم که چطور میتوانیم یک نفر را هدایت کنیم. خلاصه آرام شدند. سپس من رفتم پیش شقایق و گفتم: «شقایق خانم، من خیلی به کمکت نیاز دارم، می‌تونم یک سر بیای تا

باهم صحبت کنیم.» خیلی خوشحال شد و چون کمبود خیلی شدید داشت و من را هم می‌شناخت و به من خیلی اطمینان داشت قبول کرد. وقتی آمد به او گفتم: «من خیلی مشکل دارم. این مدرسه با این همه رشته، این همه مشکلات مبهم، نوشتن کارنامه ها به صورت دستی و... ببین، من خیلی به تو اطمینان دارم، خیلی تورا دوست دارم. روزی که با مادرت آمدم و مادرت گفت که پدرت را از دست داده ای، من حس کردم که چقدر میتونی به جهت سختی که کشیدی، در کمک کردن به دانش آموزانی که مشکل دارن به من کمک کنی تا بتونم به دانش آموزانی که درد کشیدن کمک کنم. خلاصه الان خیلی به کمکت احتیاج دارم.» شقایق خوشحال شد و گفت که چه کمکی میتواند کند. گفتم: «ببین در کلاس خیلی دزدی شده و پول‌های بچه‌ها برداشته می‌شه. من موندم چکار کنم. وقت هم ندارم که برم سارق رو پیدا کنم و به هر کسی هم نمی‌تونم اطمینان کنم. خیلی از بچه‌ها شاید قابل اطمینان نباشن. اما از نظر من، تو فرق می‌کنی. سارق را پیدا کن بعد هم به من معرفی نکن. من دوست ندارم ذهنیتم راجع به بچه‌ها خراب بشه. فقط بهش بگو که کم کم پول‌ها رو بپاره و به بچه‌ها بده.» شقایق قبول کرد و رفت. دیدم دو سه روز با خودش کلنجار می‌رود. آخر پولی هم نداشت که بخواهد بپاید بدهد. به شقایق گفتم: «ببین بهش بگو اگه نداری، شده پنج تومنی، ده تومنی بیار، من پول بچه‌ها را کم‌کم بدهم. به من هم نگو که کیست؛ چون گفتم دوست ندارم ذهنیتم نسبت به بچه‌ها تغییر کنه.» رفت و شاید یک هفته، ده روز همینطور خورد خورد به هر سختی بود پول‌ها را می‌آورد. خلاصه دو بار که این کار را کرد به بچه‌ها گفتم و بچه‌ها هم گفتند که اصلاً آن پول را بندها در صندوق صدقات و راضی نیستند که پولی را که او به این سختی جمع میکند را بگیرند. همینقدر که او تنبیه شده و دست از کارش برداشته، برای آنها کافی است. خلاصه بعد از آن اتفاق، دیگر اتفاقی رخ نداد که بخواهد مدرسه را درگیر کند و سال به خوبی تمام شد. سال بعد از آن هم شقایق از آن مدرسه رفت. به این جهت که یکی از رشته‌های فنی را انتخاب کرده بود، به یکی از هنرستان‌ها برای ادامه تحصیل رفت. بعد از سال‌ها در مطب سونوگرافی او را دیدم. آمد کنارم نشست و خیلی خوب و گرم برخورد کرد و خودش را معرفی کرد. خداروشکر وضعیت زندگی خوبی داشت و باردار هم شده بود و از زندگی خودش راضی بود و این برای من خیلی خوشحال کننده بود.



امیر عربی

براساس داستانی از سرکار خانم دکتر حمیده جلیلی

محبابه دانشجوی

پای صحبت سرکار خانم معصومه آزنی، آموزگار نمونه پایه اول ابتدایی استان

امیر عربی

سرکار خانم معصومه آزنی آموزگار نمونه پایه اول ابتدایی و مدرس دانشگاه فرهنگیان هستند. ایشان ۲۹ سال سابقه خدمت دارند و مدرک ایشان کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی است. ایشان بیشتر سال های خدمت خود را آموزگار پایه اول و معلم نمونه استان نیز بوده اند. رتبه های اول تا سوم در همایش های استانی، رتبه اول تا سوم در جشنواره الگو های برتر تدریس برای سه سال پیاپی، سرگروه پایه اول شهرستان و استان به مدت ۹ سال، داور جشنواره های استانی دانش پژوهی و مهارت های

معلمی، عضویت در کارگروه تألیف پیش دبستانی استان و رتبه دوم کشوری در همایش ملی هویت ایرانی کودکان پیش دبستانی از جمله سوابق علمی و اجرایی ایشان می باشد. همچنین ایشان تاکنون چندین مقاله در مجلات رشد به چاپ رسانده اند و مدرس کارگاه های ضمن خدمت نیز می باشند.

زندگی معلمان را چگونه توصیف میکنید؟

معلمی هم عشق است و هم ایثار؛ معلمان ما با کمترین چشم داشت و با بیشترین تلاش برای تعالی فرزندان این جامعه زحمت می کشند. معلمان انسان هایی هستند که به اندازه پدرها و مادرها، بی انتظار و کم توقع هستند و شاید یک احترام ساده به دانش آموزان، باعث شود که آنها واقعاً خوشحال بشوند. به همین خاطر معلم هایی که با این عشق و ایثار وارد عرصه معلمی شدند، مسلماً یک زندگی و رسالت سختی را دارد، رسالتی سخت تر نسبت به باقی افراد. زندگی معلمی، پر از دغدغه و مشغله های فکری، دغدغه برای دانش آموزان و دغدغه برای اینکه بتوانند آنطور که باید و شاید، رسالتشان را اجرا کنند. معلمان پیش از آن که دنبال منافع مالی خودشان باشند دنبال ارزش هایی هستند که خلق می کنند و دنبال ارزش ها هستند که جامعه برای آنها قائل می باشد؛ درست است که توجه به نیاز مادی معلمان بسیار مهم است، اما چیزی که اهمیت بیشتری دارد منزلت معلم هست که باید حفظ شود؛ به نحوی که در جامعه از طرف مسئولین به این امر پرداخته شود. طبیعتاً اگر معلمان ما یک نسل کارآفرین متعهد و دلسوز نسبت به کشور بتوانند تربیت کنند و یک جامعه مرفعی و پیشرفته ای را داشته باشیم، واقعاً این جامعه

الان در کدام مدرسه و در چه پایه ای مشغول خدمت هستید؟

در حال حاضر مشغول به خدمت در پایه اول در دبستان حضرت قاسم (ع) واقع در سجادشهر هستم.

چرا معلمی را انتخاب کردید؟ آیا علاقه قلبی به این شغل داشتید؟ اگر به عقب بازگردید باز هم معلم میشد؟

دلیل انتخاب شغل معلمی برای من این بود که من علاقه بسیار زیادی به معلمی داشتم و از همان دوران کودکی، وقتی که ما بچه ها دور هم جمع می شدیم، من نقش یک معلم را برای بچه ها بازی می کردم و می گفتم و دقیقاً آنچه را که در مدرسه در دوران دبستان یاد می گرفتم، در منزل به بچه ها انتقال می دادم و این علاقه من را می رساند و زمانی که دانش سراها پذیرش داشتند، نه تنها خودم بسیار استقبال کردم از این کار، خانواده هم خیلی استقبال کردند. از طرفی معلمان زمان تحصیل من نیز بسیار مشوق من بودند و این هم باعث شد که علاقه من به معلمی بیشتر شود و باز هم اگر برگردم به ابتدای کار در دوران تحصیل و بخواهم مجدد شغلی برای خودم انتخاب کنم، باز هم با افتخار معلمی را انتخاب می کنم.

ارزش مدار است. فناوری روی مقام و ارزش معلمان باید تمرکز داشته باشد و آن جایگاهی که باید تکريم بشود تا معلمان ما بتوانند با آزادی عمل و فکر باز حرکت و تدریس کنند و این قفل، دغدغه‌ای برای معلمان محسوب می‌شود و زندگی معلمان یک زندگی دغدغه‌مند است، وقتی معلمی از خودش انتظار دارد که هم‌چنین نسلی به جامعه تحویل بدهد، این دغدغه همیشه همراه معلم هست و مرتب معلم را به فکر وادار میکند که چه کند تا آن‌طور که باید کار کند تا بتواند در انجام رسالت این خود موفق باشد. در سال‌های اخیر، دغدغه‌های یک معلم و رسالتش بیشتر شده است. معلمان یک رسالت سنگین دارند و صرفاً درس دادن نیست که صبح انجام بدهی و شب به خانه برگردی، خیر بلکه آن درس دادن یکی از کوچک‌ترین وظایف معلم است. باید شاگردان شاگردان را به گونه‌ای پرورش بدهیم که احساس مفید بودن داشته باشند، احساس خوب بودن پیدا کنند و بدانند که هر کدامشان در چه زمینه‌ای می‌توانند برای جامعه خود مفید باشند و خدمت کنند؛ بنابراین در کنار تدریس مهارت‌های زندگی هست که آموزش داده می‌شود و این مهارت‌های زندگی نقشش مهم‌تر از تدریس است و معلم این دغدغه را دارند که دانش‌آموزی که آمد در کلاس، علاوه بر تدریس که برایش انجام می‌دهد، باید بتواند او را برای زندگی

جامعه‌ی فردا آماده کند. هم‌چنین معلمان در کلاس دانش‌آموز‌هایی را می‌بینند که هر کدام از فرهنگ خاصی هستند و باید با هر کدام کار کند. این واقعاً مقوله‌ای هست که خیلی از انرژی معلمان را می‌گیرد و معلمان را دچار خستگی روحی و جسمی می‌کند و همین دغدغه ارتباط برقرار کردن با دانش‌آموزان و شناسایی دانش‌آموزان مشکل‌دار و تلاش جهت رفع مشکلات آنها چیزهایی هستند که ذهن معلمان را مشغول خودش دارد.

مثلاً من معلم یا هر معلم دیگه وقتی وارد کلاس می‌شویم و دانش‌آموز مشکل‌داری را می‌بینیم

خیلی ذهنمان به هم میریزد. سختی‌های زندگی معلمی این هاست؛ دغدغه‌های زندگی معلمی این هاست. در رابطه با کارمند به این صورت نیست. وقتی که یک ارباب‌رجوع به یک کارمندی مراجعه می‌کند، کارمند کارش را انجام می‌دهد و کارمند دیگر به این کار ندارد که ارباب‌رجوع به چه صورت زندگی میکند. اما وقتی با یک دانش‌آموز سروکار دارید، دانش‌آموز مرتب جلوی روی شماست و باید آن دانش‌آموز را بشناسید، خانواده‌اش را بشناسید و با آنها ارتباط برقرار کنید و همین هست که باعث می‌شود معلمان ما تحت تاثیر مشکلات دانش‌آموزان قرار بگیرند و این در رویه زندگی آنها بسیار تاثیر دارد.

به نظر شما چه چیزهایی موجب میشود منزلت مقام معلم حفظ نشود و آنرا خدشه دار میکند؟ شما معمولاً برای اینکه منزلت مقام معلم حفظ شود چه کارهایی را انجام میدید یا از انجام چه اموری دوری می‌کنید؟ آیا انتقادی در این باره از معلمان دارید؟

مسلماً منزلت مقام معلم در جامعه و حفظ این منزلت برای معلم‌ها خیلی مهم هست و چه جایگاهی بالاتر از این که معلمی شغل انبیاست. بنابراین باید بتواند ارزش‌های شغلش را در جامعه حفظ کند. این به خود معلم برمیگردد و همچنین

به مسئولین. خود معلمان میتوانند با حفظ جایگاه خود، ارزش خود را در جامعه حفظ کنند و آنرا بالاتر ببرند. برای خودشان ارزش قائل باشند، برای شغلشان ارزش قائل باشند و اگر احیاناً دچار مشکلات مالی و مادی میشوند و شغل دومی را انتخاب میکنند، طوری باشد که شخصیت معلمی شان خدشه دار نشود. از طرفی مسئولین میتوانند در این زمینه نقش پررنگی را داشته باشند و با تامین منابع مالی معلم و تامین معیشت معلم این جایگاه را حفظ کنند؛ همان‌طور که در خیلی از کشورها به امر آموزش به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین امر درون کشوری اهمیت داده‌شده و این که بالاترین مزایا بالاترین ارزش را در جامعه معلمان دارند بعد بقیه چون معتقدند این معلمان هستند که جامعه را می‌سازند و اگر حال معلم خوب نباشد حال جامعه خوب نیست، بنابراین با ارزشی که برای معلم قائل می‌شوند و توجه خاصی که به معلمی می‌کنند، ذهن معلم و مشغله‌هایش کم و ذهنش آرام می‌شود و خالی از هر گونه دغدغه می‌کند و این باعث می‌شود که معلم فقط و فقط به آن حرفه مقدس معلمی بپردازد و فقط به شغلش و آینده‌ی بچه‌ها و دانش‌آموزانش فکر کند و بتواند آینده سازان مفیدی را تربیت کند. من باز هم به ذکر یک خاطره در این مورد بپردازم.

این که می‌گویم هر کس خودش باید جایگاهش را حفظ کند، اینجا خودش را نشان می‌دهد. در فروشگاه‌های بودم و یکی از همکاران قدیمی ما مشغول خرید بود و وقتی خرید ایشان تمام شد پای صندوق رفتند گفتند: «برای ما معلمی حساب کنید». صندوق‌دار گفت: «معلمی یعنی چه؟ معلمان که وضعشان خوب است و وضعشان از همه بهتر است» این همکار محترم ما گفتند: «ما از بی کفنی زنده

ایم و پولمون کجا بود. لقمه‌ای بخور و نمیر که ما می‌گیریم، جایی را نمی‌گیریم. ما حاضری به جای شما بیایم فروشنده‌ی کنیم تا ببینیم وضع کی بهتره». خب اینجاست که آن معلم ارزش کار خودش را پایین می‌آورد بهتر بود که خود برای حفظ ارزش و شأن خودش اینگونه گفت و گویی نداشته باشد.

در کلاس درس خود معمولاً از چه روش تدریس‌هایی استفاده می‌کنید؟ یک سخن حکیمانه از کنفوسیوس هست که می‌گوید "آنچه را که می‌شنوم فراموش می‌کنم، آنچه را که می‌بینم به‌خاطر می‌سپارم و آنچه را که انجام می‌دهم درک می‌کنم و یاد می‌گیرم" و این همان روش‌های تدریس ماست. به طبع تدریس من با توجه به دانش‌آموزانی که پایه اول هستند و تازه پایه و اساس آموزش را دارند می‌گذرانند و زیربنای آموزش هست، باید متفاوت باشد. متفاوت از سایر تدریس‌ها؛ و هر و اینجاست که باید تدریسی داشته باشم همراه با بازی، همراه با شور و نشاط و شادی و بسیار متنوع. بچه‌های کلاس اول از زیاد نشستن سر کلاس خسته می‌شوند و نمی‌توانند مدت طولانی بنشینند و نمیشود به این دانش‌آموزان ما به روش سخنرانی آموزش بدهیم و یا از روش‌های منفعل استفاده کنیم. دانش‌آموز باید فعال باشد، هرچقدر که فعالیت دانش‌آموز در امر یادگیری بیشتر باشد، مطلب بیشتر به ذهن او سپرده می‌شود و بهتر



یاد می‌گیرد و تثبیت می‌شود و یادگیری نیز عمیق تر می‌شود. من در روش‌های تدریس خود از روش شعرخوانی قصه‌گویی، پانتومیم، نمایش، بازی، نمایش‌های عروسکی و این‌گونه روش‌های متنوع و متفاوتی که خود بچه‌ها درگیر آموزش باشند هم استفاده می‌کنم. قصه تعریف می‌کنم و از بچه‌ها می‌خواهم بیایند اجرا کنند. نمایش خلاق و نمایش‌هایی که بداهه گفته می‌شود. دانش‌آموزان خودشان باید این کار را انجام بدهند. با اینکار نوعی ایجاد انگیزه هست برای خود معلم و حتی سایر معلمان؛ وقتی که خود ما با روش تدریس‌های مختلف درس می‌دهیم و می‌بینیم که دانش‌آموز چقدر ذوق کرده و چقدر علاقه‌مند هست و چقدر برایش این تدریس جذاب هست و احساس لذت و شادی بعد از حضور در کلاسش می‌کند، این بسیار برای معلم ایجاد انگیزه می‌کند. به عنوان مثال وقتی برای تدریس نشانه "د" معلم به حالت کمر خم وارد کلاس می‌شود، یا برای تدریس نشانه "ز" بر تن دانش‌آموزی، لباس زنبور می‌کنیم و به شکل زنبور او را در می‌آوریم، یا در کلاسی برای نشانه "پ" با توپ وارد کلاس می‌شویم، برای نشانه "س" برای بچه‌ها جلوتر معلم یا اولیا ساندویچ درست کنند، یعنی ایجاد انگیزه‌های جذاب و ایجاد انگیزه‌هایی که برای بچه‌ها به یادماندنی است.

چه مقدار از بازی در تدریس خود استفاده می‌کنید؟

یکی از فعالیت‌های لذت‌بخش برای همه بچه‌ها بازی است. کودکان از طریق این بازی مخصوصاً بازی‌های سازنده، مهارت‌های گوناگونی را کسب می‌کنند آموزش با بازی یکی از موقعیت‌های یاددهی و یادگیری است که باعث می‌شود تفکر و برنامه‌ریزی در دانش‌آموزان رشد داشته باشد. برای انجام بازی

های آموزشی هم‌نیاز نیست که ما حتماً شرایط خاصی را ایجاد کنیم یا هزینه بالایی را صرف کنیم و یا در موقعیت‌های خاصی آنرا انجام بدهیم، خیلی از بازی‌های آموزشی بسیار ساده هستند و بسیار راحت انجام می‌شوند. به عنوان مثال برای آموزش سایه می‌توانیم با یک گچ از دانش‌آموزان بخواهیم دور سایه یک درخت خط بکشند و در طول روز آنرا مقایسه کنند. بچه‌ها این یک بازی لذت‌بخش است، هم آموزش سایه صورت گرفته و هم بچه‌ها از این که در حیاط رفتند و بازی کردند، یادگیری عمیقی برای آنها اتفاق خواهد افتاد.

آیا معلم کلاس چندپایه بوده‌اید؟ اگر سابقه معلمی در این کلاس را داشته‌اید چه توصیه‌ای برای بهتر اداره شدن این کلاسی‌ها به نو معلمان دارید؟

بنده حدود یازده سال کلاس چندپایه داشتم و تجربه بسیار موفقی از کلاس‌های چندپایه خودم دارم. برای اداره کردن کلاس چندپایه چند تا نکته مهم را باید توجه کرد. اول این که باید فردی که کلاس چندپایه را قرار است تا اداره کند، باید مسلط به تمامی مطالب درسی در همه پایه‌ها باشد. باید حتماً از لحاظ علمی این تسلط علمی را پیدا کند و از لحاظ مدیریتی باید بداند که چطور این کلاس‌ها را باید اداره کند. این کلاس‌ها به جهت اینکه از دانش‌آموزان با ویژگی‌های متفاوت تشکیل شده، مدیریت مشکل تری را دنبال می‌کند. معلم باید از روش تدریس‌های مختلف

آگاه باشد و در تدریس خود از بچه‌ها کمک بگیرد. همچنین استفاده از تجربه سایر همکاران هم بسیار در این زمینه مفید می‌باشد.

دانش‌آموزان شما بیشتر پسر بوده‌اند یا دختر؟ تدریس برای کدام گروه برای شما جذاب تر است؟ چرا؟

بله من با هر دو جنس دانش‌آموز کار کردم هم با دخترها هم با پسران اما زمانی که با پسران داشتم سال‌هایی که دانش‌آموز پسر داشتم بچه به طبع از کلاس راضی تر بودم و کارکردن با دانش‌آموز پسر را بیشتر دوست دارم خیلی علاقه‌مندتر هستم بعضی‌ها این عقیده را دارند که می‌گن دانش‌آموز پسر کنترلش توی کلاس خیلی سخته مخصوصاً اگر همکار خانم باشه ممکنه که بچه‌ها اون پسران اذیت کنن وقت کلاس به بطالت بگذرد کلاس دچار بی‌نظمی بشه اما من این مسئله را قبول ندارم چون ببینید اون جذابیت و ابهت معلمی و روش کار معلم اینا مواردی هست که می‌تونه یک دانش‌آموز را به کلاس علاقه‌مند کنه یا از کلاس متنفر کنه می‌تونه دانش‌آموز سر جای خودش بنشیند یا این که اون دانش‌آموز را فرد آزادی بار بیاد که بتونه کلاس رو به هم بزنه بچه طبعاً دانش‌آموز پسر خوب مسلماً به بچه‌ها توی خونه به مادرش و بیشتر علاقه دارند بیشتر ابراز محبت می‌کند در کلاس هم همین‌طور چون

ما از جنس مخالفان هستیم و این بچه‌ها ابراز علاقه و محبت بیشتری نسبت به معلمای خانم نشون می‌دادن من بچه‌ها را در سطح کلاس خودم دارم می‌گم در سطح پایه اول دارم می‌گم طبق تجربیات خودم دارم این حرف‌ها را می‌زنم و کاری به پایه‌های بالاتر ندارم اما درکل می‌خوام اینو بگم که همکاران خانم هم می‌تونن کلاس پسران او را به خوبی و با اون ابهت خاصش اداره کند و من طبق اون ارتباط عاطفی و دوستانه‌ای که بین

خودم و دانش‌آموزای دانش‌آموزان برقرار کردم و می‌کنم بچه می‌بینم دانش‌آموزان پسر واقعاً علاقه‌مند به کلاس هستند واقعاً کلاس رو دوست دارند و اصلاً این‌گونه نیست که به بی‌نظمی ایجاد کنند توی کلاس چون مرتب اینا رو درگیر دارم درگیر مسائل آموزشی دارم بچه‌هایی هستند که در بین پسران و انرژی بیشتری دارند شور و نشاط بیشتری دارند اینو باید کنترل بشه، انرژی‌شان در مسیر درستی که باید این راه هدایت و کنترل بشه، مثلاً یک تدریس کوتاه و بعدش یک بازی دسته‌جمعی توی کلاس که انرژی بچه‌ها تخلیه بشه یا باز بعد از آموزش دوباره یک مطلب در حد ده دقیقه‌ای کوتاه، زمان مجددی، یک تا پنج دقیقه جهت ورزش به بچه‌ها داده بشه یک تمرینی تفریحی کوتاه که این بچه‌ها بتوانند انرژی‌شان را در این راه خرج کنند و دیگر حواسشان به آموزش باشه، نیازی هم نیست که حتماً بچه‌ها برای تخلیه انرژی‌شان به حیاط برن سروصدا ایجاد کنند توی همان کلاس با یک انجام یک بازی یا یک فعالیت دسته‌جمعی می‌شه این انرژی بچه‌ها رو تخلیه کرد. **باتوجه به شیوع ویروس کرونا و برگزاری کلاسی‌ها در شبکه شاد، شما جریان یاددهی و یادگیری را چگونه و براساس چه راهبردی دنبال می‌کنید تا یادگیری بهتری محقق شود؟**

مسلماً در این ایام معلم نقش پر رنگ تری پیدا کرده است. در این زمان به دلیل حفظ سلامت دانش‌آموزان، آموزش به صورت مجازی دنبال می‌شود و فعالیت

معلم به نسبت کلاس حضوری متفاوت شده است. قبلاً در کلاس حضوری میتوانستیم در لحظه بازخورد لازم را بگیریم اما الان این مهم به خوبی اتفاق نمی افتد و این ارتباط دوسویه شکل نمیگیرد. الان هم در تهیه کلیپ هایی که خود معلم باید تهیه کند، یا کلیپ هایی که از جاهای مختلف میگیریم باید دقت داشته باشیم؛ باید به گونه ای باشد تا سطح کلاس خودمان را هم در نظر بگیریم و ترجیحا بهتر است که خود معلم تولید کننده کلیپ ها باشد و در کلیپ ها باشد تا این ارتباط تقریباً برقرار شود و این دیده شدن معلم باعث میشود تا دانش آموز روحیه بگیرد و تولید محتوا بهتر از صرفاً ارسال ویس است. مشکل بعدی در نحوه انجام تکالیف است که معلم متوجه نمیشود که آیا خوب انجام شده است یا خیر. کمک گرفتن از اولیا در فضای مجازی خیلی خوب هست و میشود گفت که به نفع معلم است و هم به نفع ولی دانش آموز که در جریان تدریس قرار میگیرند و در جریان پیشرفت آموزشی بچه ها هستند. اما یکی از مشکل ها نبود امکانات برای برخی از دانش آموزان است و این موجب میشود تا ارتباط لازم شکل نگیرد و یا به سختی اتفاق افتد. دانش آموزی که امکانات دارد با حضور در کلاس های آنلاین یا کلاس های مجازی میتواند این آموزش را فرا بگیرد. دانش آموزی که هیچ امکاناتی ندارد کار معلم را مقداری سنگین تر می کند که با برقراری تماس تلفنی یا از طریق ارتباط حضوری و رفتن به درب خانه ها این آموزش را دنبال کند.

نظر شما در رابطه با رشد و توسعه حرفه ای معلمین چیست؟ معمولاً از چه روش هایی برای توسعه حرفه ای خودتان استفاده می کنید؟ چه توصیه ای در این زمینه به دانشجو معلمان دارید؟

خب ما به عنوان معلم این احساس نیاز را باید در خودمان به وجود بیاوریم که همیشه به دنبال یادگیری باشیم و یادگیرنده مادام العمر باشیم و "ز گهواره تا گور دانش بجوی" را همیشه دنبال کنیم و توقف نکنیم. همانطور که دانش آموزان ما در حال طی کردن پله های ترقی هستند، معلم نیز باید دانش و آگاهی خود از مسائل را بالا ببرد و به روز باشد. مطالعه کتاب های مختلف خیلی در این زمینه موثر هستند. یکی از کتاب هایی که خیلی میتواند به معلم هایی که مخصوصاً تازه کارها هستند کمک کند، کتاب "جلوه های معلمی دکتر آیت الله مطهری" است و خیلی کتاب های دیگر و همچنین با کسب تجربه و با استفاده از تجربیاتی که دیگران کسب کرده اند بتوانیم باز هم در زمینه معلمی موفق باشیم. برای همکاران که تازه استخدام هستند، دوره های ضمن خدمت خیلی مفید هستند. توصیه میکنم حتما شرکت کنند. استفاده از تدریس افراد موفق مخصوصاً در دوران کرونا و از طریق ارتباط گیری با آنها خیلی مفید است که الحمدلله چند سالی است در کشور ما به صورت درس پژوهی این اتفاق در حال رخ دادن است.

به نظر شما نقش وزارت آموزش و پرورش در این رابطه (توسعه حرفه ای معلمین) چیست؟ آیا روش یا ایده ای دارید که به بهتر محقق شدن این امر کمک کند؟

نقش مهم و پررنگی که وزارت آموزش و پرورش میتواند در تربیت نیروی انسانی مفید و سودمند داشته باشد، نقش آماده سازی نومعلمان و معلمان برای اداره کلاس های درس میباشد. نقش، نقش بسیار پررنگی است و همان طور که مقام معظم رهبری هم فرمودند، ما نمیتوانیم با آموزش و پرورش مثل یک اداره معمولی در ردیف ادارات دیگر نگاه کنیم و این نشان دهنده اهمیت آموزش و پرورش می باشد. همچنین ایشان فرمودند که مهمترین نیاز آموزش و پرورش معلم هست و دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی بایستی کمی و کیفی توسعه پیدا کند.

اگر روزی بخواهید به نومعلمان دانشگاه فرهنگیان درس معلمی بدهید، تکیه شما بیشتر روی چه مباحثی خواهد بود و از چه روشی برای این کار استفاده خواهید کرد؟

باتوجه به اینکه بنده در دانشگاه فرهنگیان درس پژوهی داشتم و قصد داشتم به روش جدیدی این درس را ارائه بدهم، از دانشجویان خواستم تا این درس پژوهی را به صورت واقعی در مدارس اجرا کنند. چیزی که در کلاس اجرا می کنند بین خودشان و چیزی که در مدرسه واقعی و بین بچه ها اجرا می کنند خیلی فرق میکند و چون بعضی از این ها با بچه ها سروکار داشتند، تدریسشان را خیلی متنوع و جذاب کرده بودند و واقعاً از حضور در کنار بچه های مدرسه لذت بردند و درس پژوهی شیرین و خاطره خوشی برایشان باقی ماند. چقدر خوب هست که این کارها ادامه داشته باشد و اگر ما میخواهیم مطلبی را به دانشجو معلمان آموزش بدهیم، علاوه بر این که تجربیات خودمان را به آنها انتقال می دهیم، در زمینه های مختلف و در مسائل مختلف بهتر هست که با ورود به فضای واقعی مثل همین کارورزی هایی که الان دارند، عینی تجربه کسب کنند و از کارورزی هایی که دارند استفاده بهینه داشته باشند.

به عنوان سوال آخر توصیه شما به دانشجو معلمان چیست؟ اگر به دوران تربیت معلم خود برگردید، چه کار هایی را در رابطه با تخصص معلمی خود حتماً انجام خواهید داد؟

خب اولین توصیه من به دانشجویان و معلمای عزیز این هست که شأن و جایگاه خودشان و به عنوان یک فرد بسیار ارزشمند و مهم در جامعه حفظ کنند قدر این شغل رو بدونن و این که خوب جایی است که واقعاً بین کلاس درس محل گرفتن حاجت است؛ اینو یکی از همکاران می گفتند ابتدا خدمت ما بهمون گفت شما صادقانه وارد کلاس بشین و از خدا حاجت خود را بخواهید و وقتی صادقانه کار کنید و نگاه های معصوم بچه ها و قلب های پاک بچه ها که مانند یک لوح سفیدی است که شما بر روی لوح دارین نقش می نگارید و این باعث می شه که شما چون صادقانه کار کردید حاجت تان را از خدا بگیرید. مورد دیگر استفاده از تجربیات هست چون هنوز شروع کار هستند و خوب تجربه ای در این خصوص ندارند، از افرادی که پیشکسوت هستند کسب تجربه کنند، علم خودشون رو به روز کنن و مطالعه در کنار استفاده از تجربیات دیگران واقعاً اثربخش است. توصیه دیگری که به دانشجو معلم ها می کنم این است که وقتی وارد کلاس میشوند، دانش آموزان را بشناسند، شخصیتشان را کالبدشکافی کنند، بدانند چه جور بچه هایی هستند، از چه خانواده هایی هستند مشکلاتشان چی هست، حتماً برا خودشان در ابتدای کار دفترچه ای آماده کنند و نام دانش آموزان را بنویسند، مشخصاتشان را بنویسند، شغل پدر و مادر و وضعیت زندگی و خانواده اش و بیماری که دارند، همه رو به حساب محرمانه پیش خودشان نگه دارند تا وقتی که مشکلی برای دانش آموز پیش آمد با مراجعه به اون دفتر و بررسی سوابق دانش آموز بتوانند راحت ریشه یابی کنند. من خودم اگر مجدد برگردم به سال های اولیه خدمتم با توجه به اینکه که الان دیگر کلی تجربه کسب کردم این تجربیات را از ابتدا شروع می کنم و در کلاس استفاده می کنم و مسلماً یک کلاس ساده راحت تر و بهتر و مؤثرتری میداشتم.

کفاف کتاب

حد دولت‌آبادی توانسته باشد این چنین شاهکاری بیافریند. کلیدر برترین رمانی است که خوانده ام.» احمد شاملو نیز می‌گوید: «کلیدر قله‌ای است که از مه بیرون است.» خود محمود دولت‌آبادی می‌گوید: «دیگر گمان نکنم که نیرو، قدرت و دل و دماغ اجازه بدهد که کاری کامل‌تر از کلیدر بکنم. کلیدر از هر جهت کامل‌ترین کاری است که من می‌توانستم انجام دهم.» اگر سه ماه، روزی فقط یک ساعت کلیدر را بخوانید تمام خواهد شد. اما قول می‌دهم بخاطر کشش داستان زودتر تمامش خواهید کرد. پس وقتتان را نمی‌گیرم! کلیدر را یا از کتابخانه امانت بگیرید یا هم بخریدش. هنوز فرصت خواندن کلیدر هست!

مهران طالبی

کلیدر، رمانی ده جلدی که دلت نمی‌آید تمام شود!

نام محمود دولت‌آبادی، آقای رمان ایران، بر روی جلد «کلیدر» می‌درخشد. نویسنده‌ای که پانزده سال از عمرش-۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷- را صرف نگارش این رمان سه‌هزار صفحه‌ای کرده است. اما با تمام وجودم می‌گویم یک واو، حتی یک واو اضافی در این داستان ندیده‌ام! چنان جان کلمات را در آسمان ذهنت می‌پروازاند که به قدر یک‌پلک بر هم زدن نمی‌خواهی چشم از این تابلوی حماسی لطیف برداری! با اشخاص داستان زندگی خواهی کرد. با آنها گرداگرد خراسان را خواهی گردید و با مرگ ایشان نیز خواهی مرد! و خلاصه بگویم بعد از خوانش کلیدر تو دیگر آن انسان قبلی نخواهی بود. کلیدر، داستانی بر اساس اتفاقات واقعی از زندگانی روستایی مردم منطقه‌ی کلیدر سبزوار خراسان در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم است. کلیدر، شعری است در لباس داستان. دارای لحن غزلوار و زبان حماسی و شامل صحنه‌های رمانتیک و شامل جنبه‌های فرهنگی و فولکلور. کلمات محلی خراسانی در متن زیاد به چشم می‌خورد و همین برای خوانندگان غیر خراسانی مشکل است اما در انتهای جلد آخر، واژه‌نامه‌ای ارزشمند برای خوانندگان گنجانده شده است. داستان با «مارال» شروع می‌شود ولی شخصیت اصلی ما «گل محمد» است که سرگذشت تراژدیک این جوان یاغی با مبارزه علیه اربابان و خانان زورگو گره می‌خورد. درونمایه‌ی اصلی داستان عدالت و عدالت خواهی است و تفکرات چپ‌گرایانه و مبارزاتی این نویسنده در متن کتاب مشهود است. هرچند این رمان واقع‌گرا منتقدینی نیز دارد اما هیچکس منکر شاهکار بودن این کتاب شگرف نیست. محمدعلی جمالزاده درباره‌ی کلیدر می‌گوید: «من رمان‌های زیادی خوانده‌ام. از غربی‌ها خیلی خواندم. تصور نمی‌کنم کسی به

کافه سینما



سینمایی «تلقین» به کارگردانی کریستوفر نولان

آیا تا به حال از خودتان پرسیده اید که چرا معلم شده اید؟ پیشفرض‌های شما برای معلم شدن چه بوده؟ آیا انسان بدون آگاهی می‌تواند چیزی را بیاموزد؟ طبعاً هدف ما معلم‌ها بهبود شناخت دانش‌آموزان است، اینکه دانش‌آموز بیاموزد که چگونه بشناسد، از چه ابزاری برای شناخت استفاده کند و حتی اینکه شناخت اشتباه خود را اصلاح کند. در واقع ما معلم‌ها با شناخت دانش‌آموز سروکار داریم و اگر نتوانیم شناخت و تلقی آنها را نسبت به جهان هستی عوض کنیم به هدف خود در معلمی نرسیده ایم و کوتاهی کرده ایم.

فیلم تلقین (Inception) از آن دسته فیلم‌هایی است که انبوهی از سوال و نکته و ابهام و شک را به مغز آدم شلیک می‌کند، اگر این فیلم را دیدید و مغزتان سوت نکشید شاید عناصر قوی تری نسبت به بقیه انسان‌ها ساخته شده باشید زیرا موضوع اصلی و محور این فیلم بحث شناخت است. حس و حال انسان بعد از دیدن فیلم تلقین مانند فردی است که به تازگی حقایقی را متوجه شده و به شناخت امری ناآشنا شده و برای ماه و سال‌ها ممکن است ذهنش مشوش باشد، حس و حال بعد فیلم تلقین مانند است دانش‌آموزی است سر کلاس فلسفه اصطلاحاً هنگ کرده و ذهنش پر از سوال و هزاران چرایی است. خیلی بخواهیم ساده و روان بگوییم، فیلم تلقین گرداب چرایی‌ها و مرموزات و ابهامات است که بیننده خود را در آن غرق می‌کند. داستان فیلم تلقین، داستان فردی است به نام «کاب»، او یک استخراجگر افکار است. یعنی می‌تواند یک فکر را در ذهن انسان بکارد و فکری را از ذهن خارج کند، طبق گفته‌ی خود او در جریان فیلم، راه قانونی برای استفاده از این مهارت خود یافت نکرده و به دنبال انجام کارهای خلاف قانون افتاده، کاب در جریان فیلم به همراه گروه شش نفره‌ی خود به دنبال دزدی از ذهن صاحب یکی از بزرگترین شرکتها در حوزه انرژی است. اگر بخواهیم این فیلم را از منظر روانشناسانه بررسی کنیم به نظریه‌ی ضمیر ناخودآگاه زیگموند فروید می‌رسیم. انگار هدف کاب و تیمش در تلقین دستیابی و رسیدن به ضمیر ناخودآگاه انسان است، تلاشی که امروزه خیلی‌ها دارند می‌کنند، تصرف ضمیر ناخودآگاه شما! به نظر شما هدف این همه تبلیغات و بنر و تراکت و تیزر تبلیغاتی چیست؟ فرض کنید که چهار نفر هم زمان به یک فرد سالم بگویند: «تو مریض هستی». آن فرد اگر در سلامت کامل هم باشد، بواسطه تلقین حتی شاید راهی دیار باقی هم بشود. یک معلم هم می‌تواند در ناخودآگاه دانش‌آموزانش تأثیر بگذارد و با رفتار و اعمال خودش یک سری آداب و ارزش‌های نیکو را در ذهن دانش‌آموز جا بیندازد، مسلماً یک معلم با تشویق به جا، با تنبیه به جا، به اقناع به جا می‌تواند تأثیر شگرفی بر دانش‌آموز بگذارد و معلمی موفق است که این فنون را در تدریسش به کار بگیرد. به طور کلی اگر بخواهیم بگوییم تلقین هم جنبه‌ی مثبت دارد، هم جنبه‌ی منفی، تلقین منفی انسان را می‌کشد و تلقین مثبت انسان را زنده می‌کند. در جریان فیلم می‌بینیم که کاب از یک معمار ذهن استفاده می‌کند برای طراحی رویاها با هدف پیشبردن فرد مورد نظر به سمت موقعیت معین معلم هم می‌تواند معمار ذهن دانش‌آموزش باشد، معلم می‌

تواند با استفاده از تجربیات خود و مهارتها و تکنیکهای معلمی ذهن دانش‌آموز را سامان دهد و ذهن او را از تشویش دور سازد. با توجه به اینکه هشت سال از ساخت فیلم تلقین می‌گذرد، هنوز هم مقالات متعددی درباره‌ی این فیلم منتشر می‌شود، بهتر است خودتان این فیلم را ببینید و قضاوت کنید، اگر هم ترغیب شدید که چند بار این فیلم را ببینید ایرادی ندارد چون خودم چهار بار این فیلم را دیده‌ام.



بوم گردی

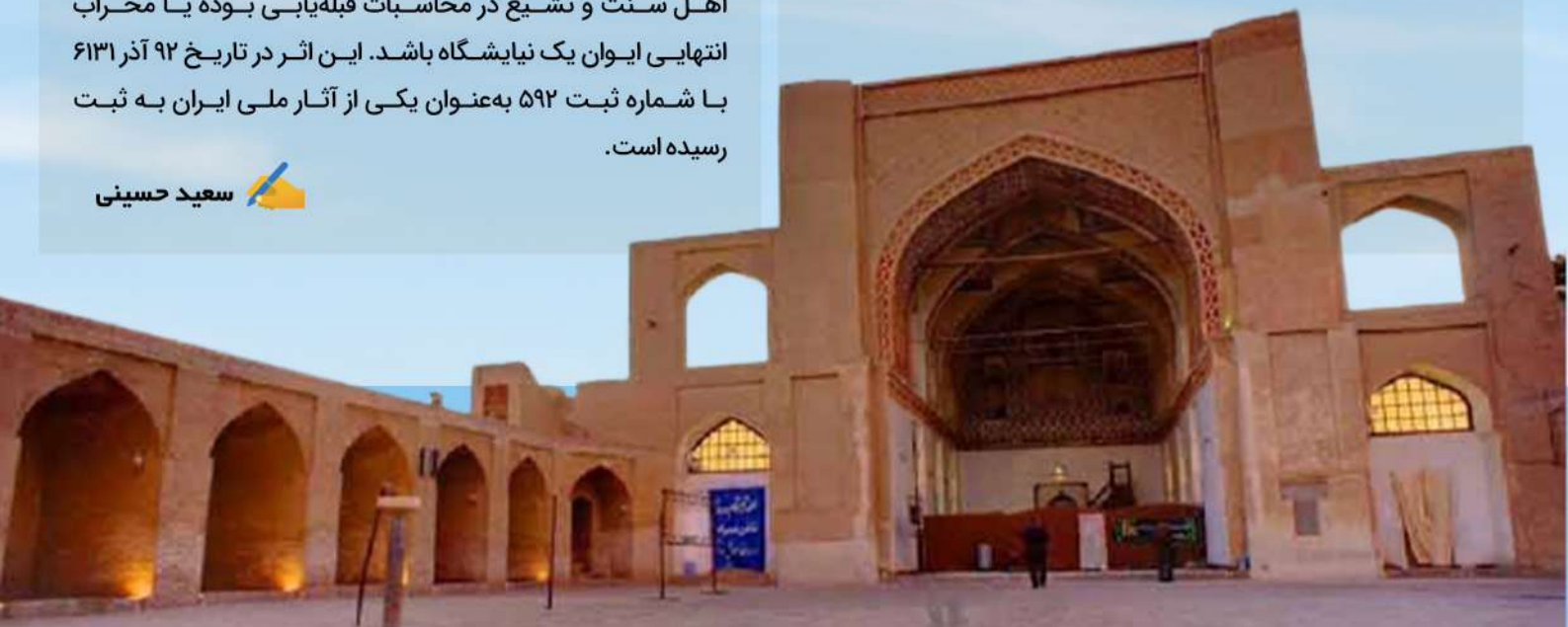
مسجد جامع قاین

مسجد جامع قاین (ذوالقبلتین) اولین اثر تاریخی به ثبت رسیده در خراسان جنوبی است که با گذشت بیش از یک هزار و ۱۰۰ سال همچنان به عنوان بلندترین عمارت قاین و یک شاهکار اصیل ایرانی اسلامی محسوب می‌شود. این مسجد دو محراب دارد که یکی به‌سوی کعبه و دیگری به‌سوی بیت المقدس است. با استناد کتیبه‌ی موجود در ایوان مسجد جامع، این بنا در سال ۷۹۶ هـ.ق به دستور امیر جمشید قارنی ساخته شده است. بنابراین مسجد جامع قاین از آثار ساخته شده در اواخر دوره ایلخانی و اوایل دوره تیموری است.

این مسجد بنایی است بسیار قدیمی و درنهایت شکوه و جلال که علاوه بر جنبه معنوی دارای ظاهری دلچسب و فرح انگیز است. امروز با گذشت ۱۱۰۰ سال همچنان این بنا بلندترین عمارت قاین می‌باشد. درمورد بنای اولیه آن اختلاف نظر وجود دارد. استقرار یکی از پایه‌های مسجد بر روی آتشکده ساسانیان گویای تاریخ کهن آن است. اغلب مورخان در بیان و معرفی شهر قاین به مسجد جامع صراحتاً اشاراتی داشته‌اند. در یکی از کتیبه‌های ایوان بسال ۷۹۶ هجری قمری نوشته شده: این بنا به فرمان جمشید قارن از خاندان معروف قارن که در دوره امیر تیمور جهانگشا حاکم قاین و مدتی حاکم ساری و دامغان بود تعمیر و مرمت شد.

سنگ لوحی در سمت راست ورودی ایوان مسجد با خط بسیار زیبای رقاع که شاه سلیمان صفوی امر به بازسازی مسجد داد به تاریخ ۱۰۸۰ هجری قمری کرده است. حیاط مسجد محوطه‌ای به درازای ۳۳ و پهنای ۲۸ متر است. در اطراف حیاط حجره‌هایی به عمق ۲ متر قرار دارد. از شاهکارهای معماری مسجد ایوان آن است که به طرز با شکوهی به زیبایی مسجد گوهرشاد با ارتفاع ۱۸ متر، عرض ۱۱ متر و طول ۲۲ متر ساخته شده است. در گذشته دومناره در دو سمت ایوان داشته که باعث زیبایی بیشتر مسجد می‌شد و تا قبل از ویرانی صدای مؤذن از آن بلند بود. سقف ایوان چهار تاق و سه گنبد دارد که به طرز زیبایی رنگ آمیزی و تزیین شده و معرق کاری‌هایش بسیار ظریف و زیباست. نقاشی‌های ایوان به شیوه اصفهانی بوده و در دوره صفویان انجام شده و در زمان‌های بعد روی آنها را رنگ زده‌اند. دو شبستان در دو سمت ایوان علاوه بر این که در فصل زمستان استفاده خوبی دارند برای جلوگیری از رانش دیوارهای اطراف ایوان تاثیر بسزایی دارند. این مسجد از دو قبله متفاوت برخوردار است که یکی به سمت بیت‌المقدس و دیگری به سمت کعبه ساخته شده است. گرچه این مسجد جزء قدیمی‌ترین مساجد ایرانی می‌باشد ولی محراب‌های آن ربطی به تغییر قبله از مسجدالاقصی به مکه ندارد احتمالاً یا ناشی از اختلاف اهل سنت و تشیع در محاسبات قبله‌یابی بوده یا محراب انتهایی ایوان یک نیایشگاه باشد. این اثر در تاریخ ۹۲ آذر ۶۱۳۱ با شماره ثبت ۵۹۲ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

سعيد حسینی





بجز حسین مرا ملجأ و پناهی نیست

عزیز دین

من از پدر، پدرم از پدر بزرگ آموخت

سازگار و پیوسته



عکاس: سرکار خانم میناسادات سلیمانی / طرح جهاد آموزشی، تربیتی



ارتباط با ما:

جهت همکاری و ارتباط با نشریه دانشجوی امروز، معلم فردا:

تماس: ۰۹۱۵۲۶۹۶۴۸۵

نشانی ما در شبکه های اجتماعی: @skh_cfu

ایمیل: skhcfuacirlive@gmail.com